



سید علی حسینی خامنه‌ای فرزند مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در فروردین‌ماه سال ۱۳۱۸ شمسی برابر با ۱۳۵۸ قمری در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. او دومین پسر خانواده بود و زندگی مرحوم سید جواد خامنه‌ای هم مانند بیشتر روحانیون و مدرسان علوم دینی، بسیار ساده: «پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه‌گیر [...] زندگی ما به سختی می‌گذشت. من یادم هست شب‌هایی اتفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود. مادرم با زحمت برای ما شام تهیه میکرد. [...] آن شام هم نان و کشمش بود.»

خانه‌ای که خانواده‌ی سید جواد در آن زندگی میکردند در یکی از محله‌های فقیرنشین مشهد بود: «منزل پدری من که در آن متولد شده‌ام، تا چهار پنج سالگی من، یک خانه‌ی ۷۰.۶۰ متری در محله‌ی فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه‌ای! هنگامی که برای پدرم میهمان می‌آمد - و معمولاً پدر بنا بر این که روحانی و محل مراجعه مردم بود، میهمان داشت - همه‌ی ما باید به زیرزمین میرفتیم تا مهمان برود. بعد عده‌ای که به پدر ارادت داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم.»

۱. خاندان

پدرش سید جواد خامنه‌ای (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳ نجف، ۱۶ آذر ۱۴۱۲/۱۲۷۴ تیر ۱۳۶۵) از علما و مجتهدان عصر خود بود که در نجف متولد شد و در کودکی همراه خانواده‌اش به تبریز آمد. پس از اتمام دوره‌ی سطح، در حدود ۱۳۳۶ ق به مشهد مهاجرت کرد [۸] و در فقه و اصول از محضر بزرگانی چون حاج‌آقا حسین قمی، میرزا محمد آقازاده خراسانی (کفائی)، میرزا مهدی اصفهانی و حاج فاضل خراسانی و در فلسفه از محضر آقابزرگ حکیم شهیدی و شیخ اسدالله یزدی بهره‌مند گردید [۹]. سپس در ۱۳۴۵ ق به نجف رفت و از حوزه‌ی درس میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و آقاضیاءالدین عراقی کسب فیض کرد و از سه نفر مذکور اجازه‌ی اجتهاد گرفت [۱۰]. او در پی تصمیم بازگشت به ایران راهی مشهد شد و برای همیشه در آن شهر اقامت گزید و ضمن تدریس، امامت مسجد صدیقیهای بازار مشهد (مسجد آذربایجانیها) را عهده‌دار گردید [۱۱]. او همچنین از امامان جماعت مسجد جامع گوه‌رشاد نیز بود [۱۲].



وی علاقه‌ی زیادی به مطالعه داشت. مباحثات علمی روزانه وی با هم‌ردیفان از جمله حاج میرزا حسین عبائی، حاج سید علی اکبر خوئی، حاج میرزا حبیب ملکی و... تا دهها سال ادامه داشت. همچنین فردی پرهیزگار و بی‌توجه به امور دنیوی بود و زندگی زاهدانه‌ای داشت [۱۳].

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آنکه فرزندان به مقامات عالی سیاسی و اجرایی رسیدند، همچنان به زندگی زاهدانه‌ی خود ادامه داد. به دلیل بهره‌مندی از کمالات انسانی همواره مورد وثوق مردم بود. در رواق پشت ضریح مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد [۱۴]. امام خمینی در پیام تسلیتی به آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت فوت پدرش، آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای را عالمی با تقوا و متعهد برشمرد [۱۵].

جد اعلای ایشان سید محمد حسینی تفرشی نسب به سادات افطسی می‌رساند. شجره‌وی به سلطان العلماء احمد، معروف به سلطان سید احمد می‌رسد که با پنج واسطه از اخلاف امام سجاد (ع)، است. جدش سید حسین خامنه‌ای (تولد حدود ۱۲۵۹ق/ درگذشت ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق) در خامنه به دنیا آمد و در نجف نزد اساتید بزرگی چون سید حسین کوه‌کمری، فاضل ایروانی، فاضل شربیانی، میرزا باقر شکی و میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ کرد و پس از طی مدارج علوم دینی در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف، در زمره‌ی فقها و مدرسان آن حوزه قرار گرفت. او در سال ۱۳۱۶ق به تبریز آمد [۱] و مدرس مدرسه‌ی طالبیه و امام جماعت مسجد جامع آن شهر شد [۲]. دارای افکار بلند سیاسی و اجتماعی و از علمای طرف‌دار مشروطه بود و همواره مردم را به حمایت و پاسداری از نهضت مشروطه تشویق می‌کرد [۳]. برخی از آثار علمی ایشان از جمله حاشیه بر کتابهای ریاض المسائل، قوانین الاصول، مکاسب شیخ انصاری، فوائد الاصول و شرح لمعه وقف کتابخانه‌ی حسینی‌ی شوشتری نجف شد [۴]. شیخ محمد خیابانی، روحانی مبارز و مجاهد عصر مشروطه، شاگرد و داماد وی بود [۵]. سید محمد خامنه‌ای (۱۲۹۳ نجف/ شعبان ۱۳۵۳ق نجف) مشهور به پیغمبر [۶]، عموی آیت‌الله خامنه‌ای از شاگردان آخوند خراسانی، شریعت اصفهانی و دیگر بزرگان نجف بود، و فردی آگاه به مسائل زمان و از رجال طرف‌دار مشروطه به‌شمار میرفت [۷].

بانو میردامادی (۱۲۹۳ش- ۱۳۶۸ش)، مادر آیت‌الله خامنه‌ای بانویی زاهد، متشرع، آشنا با آیات قرآن، احادیث، تاریخ و ادبیات بود. او در جریان مبارزه با رژیم پهلوی با فرزندان مبارزش، به‌ویژه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای همگام بوده است [۱۶].



آیت‌الله خامنه‌ای درباره مادرشان می‌گویند: «مادرم خانم بسیار فهمیده، باسواد، کتابخوان، دارای ذوق شعری و هنری، حافظ شناس - البته حافظ شناس که می‌گویم، نه به معنای علمی و اینها، به معنای مأنوس بودن با دیوان حافظ - و با قرآن کاملاً آشنا بود و صدای خوشی هم داشت. ما وقتی بچه بودیم، همه مینشستیم و مادرم قرآن میخواند؛ خیلی هم قرآن را شیرین و قشنگ میخواند. ما بچه‌ها دورش جمع میشدیم و برایمان به مناسبت، آیه‌هایی را که در مورد زندگی پیامبران است، میگفت. من خودم اولین بار، زندگی حضرت موسی، زندگی حضرت ابراهیم و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم - به این مناسبت - شنیدم. قرآن که میخواند، به آیاتی که نام پیامبران در آن است میرسید، بنا میکرد به شرح دادن.»

آیت‌الله سیدهاشم نجف‌آبادی (میردامادی) (۱۳۰۳ق - ۱۳۸۰ق)، جد مادری آیت‌الله خامنه‌ای (از خاندان میرداماد فیلسوف مشهور عصر صفویه) از شاگردان آخوند خراسانی و میرزا محمدحسین نائینی، از علما و مفسران قرآن و از ائمه‌ی جماعت مسجد گوه‌رشاد بود [۱۷] و در عین حال به امر به معروف و نهی از منکر اهتمام ویژه‌ای داشت و در پی اعتراض به کشتار مردم در مسجد گوه‌رشاد در دوره‌ی حکومت رضاشاه، به سمنان تبعید شد [۱۸]. آیت‌الله خامنه‌ای از سوی مادر به محمد دیباج فرزند امام جعفر صادق (ع) نسب می‌رساند [۱۹].

۲. شخصیت علمی و فرهنگی

۱.۲. تحصیل و تدریس

سیدعلی خامنه‌ای تحصیل را در چهار سالگی از مکتب‌خانه و با فراگیری قرآن کریم شروع کرد. دوره‌ی دبستان را در نخستین مدرسه‌ی اسلامی مشهد، دارالتعلیم دیانتی، گذراند [۲۰]. در همین ایام، یادگیری قرائت و تجوید قرآن را نزد برخی قاریان قرآن مشهد آغاز کرد [۲۱].

هم‌زمان با تحصیل در کلاس پنجم دبستان، تحصیلات مقدماتی حوزوی را نیز آغاز کرد. شوق وافر او به تحصیلات حوزوی و تشویق والدین سبب شد که وی پس از اتمام دوره‌ی دبستان، وارد دنیای طلبگی شود و تحصیل علوم دینی را در مدرسه‌ی سلیمان‌خان ادامه دهد. وی بخشی از مقدمات را نیز نزد پدر



طی کرد. سپس به مدرسه‌ی نواب رفت و دوره‌ی سطح را در آن به پایان برد. هم‌زمان با تحصیلات حوزوی دوره‌ی دبیرستان را تا سال دوم متوسطه ادامه داد [۲۲].

وی معالم‌الاصول را نزد آیت‌الله سید جلیل حسینی سیستانی و شرح لمعه را نزد پدر و میرزا احمد مدرس یزدی فرا گرفت. رسائل، مکاسب و کفایه را نیز نزد پدر و آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی آموخت. در سال ۱۳۳۴ ش، در درس خارج فقه آیت‌الله سید محمد هادی میلانی حاضر شد.

وی در ۱۳۳۶ ش طی سفر کوتاهی همراه خانواده به نجف اشرف مشرف شد و در دروس مدرسان بنام حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، از جمله آیات سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و میرزا حسن بجنوردی حضور یافت، ولی به دلیل عدم تمایل پدر برای اقامت در آن شهر به مشهد بازگشت [۲۳] و به مدت یک سال دیگر در درس آیت‌الله میلانی حاضر شد. سپس در سال ۱۳۳۷ ش به شوق ادامه تحصیل عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد [۲۴]. در همین سال و پیش از عزیمت به قم، آیت‌الله محمد هادی میلانی به وی اجازه‌ی روایت داده بود [۲۵].

سید علی خامنه‌ای، در قم نزد بزرگانی چون آیات حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، سید محمد محقق داماد و علامه طباطبایی تلمذ نمود [۲۶]. در مدت اقامت در قم اکثر وقت خود را به تحقیق، مطالعه و تدریس می‌گذراند.

آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۴۳ ش به دلیل عارضه‌ی بینایی پدر و کمک به وی به ضرورت از قم به مشهد بازگشت و بار دیگر در جلسات درس آیت‌الله میلانی حضور یافت که تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت. او از ابتدای حضور در مشهد، به تدریس سطوح عالی فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) و برگزاری جلسات تفسیر برای عموم همت گماشت. در این جلسات جمعیت کثیری از قشر جوان به ویژه دانشجویان حضور پیدا می‌کردند [۲۷]. در جلسات تفسیر خود، مهمترین پایه‌های فکری اسلام و اندیشه اسلامی را از خلال آیات قرآن استخراج و بیان می‌نمود و به تعمیق بنیان‌های اندیشه مبارزه و براندازی حکومت طاغوت



می پرداخت به صورتی که شرکت کننده در درس تفسیر او به این نتیجه ضروری و طبیعی می رسید که حکومتی بر پایه اسلام و معارف دین باید در کشور تحقق یابد. یکی از اهداف اصلی او از تفسیر، انتقال مبانی انقلاب اسلامی به جامعه بود از سال ۱۳۴۷ درس تخصصی تفسیر را نیز برای طلاب علوم دینی شروع کرد که این دروس و جلسات تفسیر تا سال ۱۳۵۶ و قبل از دستگیری و تبعید به ایرانشهر ادامه داشت [۲۸]. جلسات تفسیر در سالیانی از دوره ریاست جمهوری و پس از آن ادامه داشت.

ایشان از سال ۱۳۶۹ ش تدریس خارج فقه را آغاز کرد و تاکنون به تدریس ابواب جهاد، قصاص، مکاسب محرمه و صلاة مسافر پرداخته اند.

آیت الله خامنه ای با حوزه ی شعر و ادبیات مأنوس هستند و همواره به مطالعه رمان و داستان علاقمند بوده اند و بسیاری از رمانها و داستانهای معتبر دنیا را مطالعه کرده اند. این علاقه با مطالعه رمانها و آثار ادبی نویسندگان بزرگ جهان و تاریخ و فرهنگ ملل شرق و غرب تداوم پیدا کرد. حتی به نقد کتابهای ادبی و شعر هم می پردازند. با بسیاری از شاعران، نویسندگان و روشنفکران زمانه در ارتباط بود. در ایامی که در مشهد حضور داشت در برخی از انجمنهای ادبی که با حضور شعرای بزرگ تشکیل می شد شرکت می کرد. در انجمن های ادبی به نقد شعر می پرداخت. خود نیز اشعاری سروده و در سال های اخیر تخلص «امین» را برگزیده است. مطالعه ی کتب تاریخی بخش دیگری از برنامه ی مطالعاتی دائمی ایشان است و به مباحث و موضوعات تاریخ معاصر احاطه دارند. [۲۹]

۲.۲. آثار

آیت الله خامنه ای تحقیق و تألیف را از دوران طلبگی آغاز کرد و تقریرات دروس اساتید خود را نگاشت [۳۰] و قبل از پیروزی انقلاب به ترجمه و تألیف چند اثر نیز همت گماشت.



تألیف‌ها و پژوهش‌ها:

۱. چهار کتاب اصلی علم رجال
۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
۳. پیشوای صادق
۴. از ژرفای نماز
۵. صبر
۶. روح توحید نفی عبودیت غیرخدا
۷. گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه قم

ترجمه‌ها:

- ۱- آینده در قلمرو اسلام، نوشته‌ی سیدقطب
 - ۲- صلح امام حسن: پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه‌ی تاریخ، نوشته‌ی شیخ راضی آل یاسین
 - ۳- تفسیر فی ظلال القرآن، نوشته‌ی سیدقطب
 - ۴- مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، نوشته‌ی عبدالمنعم النمر
 - ۵- ادعاینامه علیه تمدن غرب (ترجمه و تحقیقات)
- علاوه بر آن، بسیاری از آراء و اندیشه‌های ایشان که در گفتار و نوشتار ایشان و در قالب پیام، سخنرانی، خطبه، مصاحبه منعکس شده است به صورت کتاب و نرم‌افزار با عناوین گوناگون و به صورت موضوعی منتشر گردیده و برخی از آنها نیز به زبانهای دیگر ترجمه شده است. همچنین، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها، مقالات و کتابهای گوناگونی ناظر به افکار و اندیشه‌های ایشان تألیف و تدوین شده است. نیز، بخشی از مجموعه بیانات و مکتوبات ایشان در دوره رهبری با عنوان «حدیث ولایت» منتشر گردیده است.



۳. حیات سیاسی و اجتماعی

۱.۳. دوران مبارزات پیش از انقلاب

پیشینه‌ی فعالیتهای سیاسی - مذهبی خاندان آیت‌الله خامنه‌ای، در او زمینه‌ی تربیتی برای مبارزه‌ی سیاسی - مذهبی فراهم آورده بود. نقطه‌ی آغازین ورود به فعالیتهای سیاسی، دیدار او با سیدمجتبی نواب صفوی (میرلوحی) در مشهد بود که به بیان خود او اولین بارقه‌های انقلابی را در وی پدید آورد [۳۱]. نخستین دیدار وی با امام خمینی (ره) در سال ۱۳۳۶ ش صورت گرفت اما چهره‌ی سیاسی امام خمینی برای اولین بار در جریان لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی برای ایشان مکشوف شد [۳۲].

آیت‌الله خامنه‌ای با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۴۱ ش وارد عرصه‌های گوناگون مبارزه با طاغوت شد. جزو نخستین افرادی بود که همگامی و فعالیت مبارزاتی را در دوره‌ی قبل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز کرد [۳۳]. در بهمن ۱۳۴۱، پس از همه‌پرسی لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیت‌الله خامنه‌ای و برادرش سیدمحمد مأمور رساندن گزارش آیت‌الله محمدهادی میلانی به امام خمینی در قالب نامه در مورد واکنش مردم مشهد به این همه‌پرسی شدند [۳۴].

نخستین دستگیری (ایام ۱۵ خرداد)

در سال ۱۳۴۲ و در آستانه‌ی ماه محرم، امام خمینی وی را مأمور ساخت پیامهایی را به آیت‌الله میلانی و علما، روحانیون و هیأت‌های مذهبی خراسان در جهت تداوم نهضت و آگاه‌سازی مردم در قبال تبلیغات رژیم پهلوی انتقال دهد [۳۵]. امام خمینی در این پیامها خط‌مشی مبارزه را ترسیم کرده و از علما و روحانیون خواسته بود به منظور تبیین جنایات رژیم پهلوی، ذکر واقعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه از روز هفتم محرم در منابر خوانده شود [۳۶]. آیت‌الله خامنه‌ای خود نیز برای محقق ساختن هدف و اجرای خط‌مشی امام خمینی راهی بیرجند - که تحت نفوذ خاندان علم بود - شد و در منابر و مجالس آن شهر درباره‌ی حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه و سلطه‌ی اسرائیل بر جوامع اسلامی سخنرانی کرد [۳۷]. به دنبال این سخنرانی‌ها، وی در ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ مقارن با هفتم ماه محرم ۱۳۸۳، دستگیر و در مشهد زندانی شد [۳۸]. پس از آزادی



وی، آیت‌الله محمدهادی میلانی از او دیدن کرد[۳۹]. آیت‌الله خامنه‌ای پس از آن با حضور در جلساتی که در منزل آیت‌الله میلانی به منظور تداوم نهضت اسلامی در غیاب امام خمینی - که در حصر به سر می‌برد - تشکیل می‌شد، فعالیت‌های سیاسی‌اش را تداوم بخشید[۴۰]. اندکی پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم بازگشت و با کمک و همکاری برخی روحانیون مبارز به سازمان‌دهی مجدد فعالیت‌های سیاسی از طریق جلسات مشورتی و تبلیغات پرداخت[۴۱]. او از جمله روحانیونی بود که در ۱۱ دی ۱۳۴۲ تلگرامی به آیت‌الله سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان و یدالله سبحانی، که در حمایت از امام خمینی زندانی شده بودند، فرستاد[۴۲]. در همان زمان طلاب خراسانی حوزه‌ی علمیه‌ی قم با هدایت او، در اعتراض به ادامه‌ی حصر امام خمینی نامه‌ای به حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت، نوشته و منتشر کردند که از جمله‌ی آنها خود ایشان و ابوالقاسم خزعلی و محمد عبایی خراسانی بودند[۴۳].

دومین بازداشت (سفرهای انقلابی)

ایشان در بهمن ۱۳۴۲، مقارن با رمضان ۱۳۸۳ ق برای تبلیغ و تبیین مسائل نهضت اسلامی راهی زاهدان شد[۴۴]. سخنرانیهای او در مساجد زاهدان و استقبال مردمی از آن، رژیم را بر آن داشت که ایشان را دستگیر و به زندان قزل قلعه - که در آن زمان محل بازداشت زندانیان سیاسی و امنیتی بود - منتقل نماید[۴۵]. در ۱۴ اسفند ۱۳۴۲ قرار بازداشت آیت‌الله خامنه‌ای به قرار التزام به عدم خروج از حوزه‌ی قضایی تهران تبدیل و ایشان از زندان آزاد شد[۴۶]. از این پس تا پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های وی همواره تحت کنترل مأموران امنیتی قرار داشت.

تشکیل جلسه «یازده نفره» حوزه علمیه قم

آیت‌الله خامنه‌ای در پاییز ۱۳۴۳ از قم به مشهد بازگشت و در کنار مراقبت از پدر به فعالیت‌های علمی و سیاسی پرداخت[۴۷]. او در زمره‌ی روحانیونی بود که اندکی پس از تبعید امام خمینی به ترکیه با نگارش نامه‌ای به دولت وقت - دولت امیرعباس هویدا - در ۲۹ بهمن ۱۳۴۳ به اوضاع نابسامان کشور و تبعید امام خمینی اعتراض کردند[۴۸]. سیدعلی خامنه‌ای به همراه عبدالرحیم ربانی شیرازی، علی فیض مشکینی،



ابراهیم امینی، مهدی حائری تهرانی، حسینعلی منتظری، احمد آذری قمی، علی قدوسی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خامنه‌ای و محمدتقی مصباح یزدی [۴۹]. اعضای گروه یازده نفر بودند که با هدف تقویت و اصلاح حوزه‌ی علمیه‌ی قم برای مبارزه با رژیم پهلوی شکل گرفت. مبارزه بر مبنای فکر و عقیده بود و همین امر علت پیشرفت آن بود و روحانیون نیز به منزله‌ی بدنه و مغز متفکر مبارزه بودند. آنان در این مرحله از مبارزه به این نتیجه رسیده بودند که بدون تشکل، موفقیت کمتری خواهند داشت و وجود آن موجب می‌شود که از فروپاشی مبارزه توسط رژیم جلوگیری شود. این گروه در دوران تبعید امام خمینی، برنامه‌ریزی جریان مبارزات و تداوم آن را بر عهده گرفت. از این گروه به عنوان اولین تشکیلات سری حوزه‌ی علمیه‌ی قم یاد می‌شود، فعالیت این گروه در اواخر سال ۱۳۴۵ش توسط ساواک کشف و به دنبال آن برخی از اعضا دستگیر و برخی دیگر، از جمله آیت‌الله خامنه‌ای تحت تعقیب قرار گرفتند.

بنیان‌گذاری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

در کنار این، جلسه دیگری هم راه افتاده که بنیان جامعه مدرسین امروز است. «ما جزو کسانی هستیم که در اولین نشست‌های جامعه مدرسین عضو بودیم، شرکت داشتیم. هم بنده بودم، هم به نظرم آقای هاشمی بود... آقایان [علی] مشکینی، ربانی شیرازی، [ناصر] مکارم و... یک عده مسن‌ترها هم شرکت می‌کردند.» [۴۵] این جلسه‌ها و تصمیماتی که در آن گرفته می‌شد، فضای حوزه علمیه قم را تغییر داد. پا به رکاب‌ها و دست‌اندرکاران این تصمیمات، کسانی غیر از اعضاء جلسه بودند؛ طلبه‌های جوان و علاقمند. این تحرکات فضای بسته و مغموم قم را باز کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در همین ایام مخفیانه به ترجمه و انتشار کتاب آینده در قلمرو اسلام اقدام کرد. در این کتاب به دو موضوع مهم فشار غرب و تبلیغات کمونیسم اشاره شده و دورنمایی از آینده که به سمت اسلام پیش می‌رود، آمده است [۵۰]. ساواک کتاب را توقیف و افراد مرتبط با انتشار آن را دستگیر کرد اما موفق به دستگیری و بازداشت آیت‌الله خامنه‌ای (مترجم کتاب) نشد [۵۱]. آیت‌الله خامنه‌ای در آن ایام مدتی در تهران و کرج به فعالیت مشغول بود. اما به علت ندادن تعهد بر عدم اظهار مطالب ضد رژیم از فعالیتش در کرج ممانعت به عمل آمد. در مسجد امیرالمؤمنین (ع) تهران هم مدتی به امامت جماعت پرداخت.



در پی دستگیری و تبعید آیت‌الله سید حسن قمی در فروردین ۱۳۴۶ که به دنبال سخنرانی ضد رژیم او در مسجد گوهرشاد صورت گرفت، آیت‌الله خامنه‌ای از آیت‌الله میلانی خواست به این اقدام اعتراض کند [۵۲]. این اقدام وی سبب شد مأموران ساواک از حضور او در مشهد اطلاع یافته و در ۱۴ فروردین همان سال، در مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی، وی را دستگیر کنند [۵۳]. او در ۲۶ تیر همان سال آزاد شد [۵۴]. اندکی پس از آزادی، در تهران به ملاقات زندانیان سیاسی رفت. [۵۵]

آیت‌الله خامنه‌ای از طریق ارتباط با مبارزین در نقاط مختلف، سعی در تشکل بخشیدن به مبارزین و مبارزه، تربیت نسل‌های جدید مبارزین و انقلابیون براساس اندیشه اسلامی خصوصاً بین طلاب علوم دینی و دانشجویان، سعی در اخذ مبانی مبارزه از قرآن و حدیث، مقابله با اندیشه‌های مادیگرایانه مارکسیستی و لیبرالیستی و امثال آن، به تعمیق اندیشه اسلامی و مبارزه در چهارچوب نهضت امام خمینی پرداخت و علیرغم مقابله رژیم پهلوی به موفقیت‌های زیادی دست یافت. نگاه چندبُعدی به مبارزه، استفاده از شبکه عظیم اطلاع‌رسانی نهضت امام خمینی و رسانه فراگیر منبر و عملگرایی‌اش، از برخی علل موفقیت ایشان بوده است.

در پی وقوع زمین‌لرزه‌ی ویرانگر جنوب خراسان در ۹ شهریور ۱۳۴۷ عده‌ای از روحانیون خراسان به سرپرستی آیت‌الله خامنه‌ای با هدف امداد و سامان‌دهی کمک‌های مردمی به زلزله‌زدگان، عازم فردوس شدند. این اقدام با مخالفت مقامات امنیتی محلی روبه‌رو شد اما گروه امداد اقدامات مؤثری در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان انجام داد. حضور و کمک‌رسانی دو ماهه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای در فردوس فرصتی پدید آورد تا با مشکلات مردم زلزله‌زده از نزدیک آشنا شود و با آنان مأنوس گردد و در مجالس و منابر و همچنین هیئتهای مذهبی، پیام نهضت اسلامی را برای مردم آن سامان تبیین کند. این فعالیت‌ها حساسیت شهربانی و ساواک خراسان را برانگیخت و به اقامتش در فردوس پایان داده شد [۵۶]. او در اواخر دی‌ماه همان سال به قصد زیارت عتبات عالیات و دیدار با امام خمینی (ره) اقدام کرد اما با مخالفت و ممانعت ساواک روبه‌رو شد. این محدودیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و وی ممنوع‌الخروج بود. [۵۷]



محکومیت به شش ماه حبس

آیت‌الله خامنه‌ای به اتهام عضویت در گروه یازده نفره به شش ماه زندان محکوم گردید. به دنبال انتشار این خبر در روزنامه‌ی کیهان و احضار آیت‌الله خامنه‌ای به دادگاه تجدید نظر، وی پس از مشورت با عده‌ای از علمای مشهد از حضور در دادگاه خودداری ورزید [۵۸]. او با آنکه تحت پیگرد بود با برخی از روحانیون مبارز از جمله سید محمود طالقانی، سید محمدرضا سعیدی، محمدجواد باهنر، محمدرضا مهدوی‌کنی، مرتضی مطهری، اکبر هاشمی رفسنجانی و فضلالله محلاتی در مشهد و تهران ارتباط داشت و به رغم اقامت در مشهد در بسیاری از جلسات علما و روحانیون مبارز تهران حضور می‌یافت [۵۹]. او با تشکیل جلساتی با حضور عده‌ای از روحانیون درباره‌ی اعزام روحانیون و طلاب به روستاهای اطراف مشهد تصمیم‌گیری و اقدام میکرد [۶۰].

آیت‌الله خامنه‌ای با نگاه عقیدتی به نهضت اسلامی و پرورش فکری مردم برآن مبنا، مبارزات خود را ادامه داد. او با برگزاری جلسات تفسیر برای طلاب علوم دینی و دانشجویان و ایراد سخنرانی برای اقشار مختلف مردم می‌کوشید مبانی دینی-اعتقادی آنان را تقویت نماید. او معتقد بود تحقق آرمانهای اسلامی در بستری از کوششهای فرهنگی ممکن است و خیزشهای مردمی جز با گسترش آگاهی و دانایی محقق نخواهد شد. جریان روشنفکری جریان فعال و مبارز در دانشگاهها تلقی می‌شد. این رویکرد را در واکنش به فعالیتهای جریانهای سیاسی معتقد به تفکر مارکسیستی، ضروری می‌دانست. در این زمینه فعالیتهای علمی و جلساتی را با شرکت مبارزان و متفکران اسلامی در سال ۱۳۴۸ برگزار کرد [۶۱].

سخنرانی‌ها در حسینیه ارشاد و مسجد الجواد تهران

آیت‌الله خامنه‌ای با بسیاری از روشنفکران و کانونهای روشنفکری مشهور در عرصه‌ی مبارزه نیز ارتباط و همکاری داشت. وی در سال ۱۳۴۸ به منظور تبیین مباحث تأثیرگذار در روند مبارزه به ایراد سخنرانیهایی در برخی مراکز فعال سیاسی-اسلامی در تهران از جمله حسینیه‌ی ارشاد و مسجد الجواد تهران دعوت شد [۶۲]. سخنرانیهای وی در حسینیه‌ی ارشاد که در اواخر سال ۱۳۴۸ و به دنبال دعوت آیت‌الله مرتضی مطهری از وی صورت گرفت و نیز سخنرانی در مسجد الجواد تهران، به دعوت انجمن اسلامی مهندسين،



تأثیر زیادی در روشنگری نسل جوان، به ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان داشت [۶۳]. آیت‌الله خامنه‌ای در بهار ۱۳۴۹ در جهت عمق بخشیدن به روند نهضت اسلامی و تقویت بن‌مایه‌های عقیدتی مبارزه با رژیم پهلوی، سلسله جلساتی را پایه‌گذاری کرد که در آن ایده‌ی مبارزاتی خود مبنی بر تدوین جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی را با دعوت از افرادی چون مرتضی مطهری، سید محمود طالقانی، سید ابوالفضل زنجانی، مهدی بازرگان، اکبر هاشمی رفسنجانی، یدالله سبحانی، عباس شیبانی و کاظم سامی به بحث و بررسی گذاشت. این سلسله جلسات به تدوین جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی انجامید [۶۴].

چهارمین بازداشت

با درگذشت آیت‌الله سید محسن حکیم در خرداد ۱۳۴۹ بحث مرجعیت که در گذشته پس از رحلت آیت‌الله بروجردی مطرح شده بود، به صورت جدی در جامعه مطرح گردید و در این میان آیت‌الله خامنه‌ای ضمن گرامی داشت مقام فقهی و علمی آیت‌الله حکیم و ارسال پیامهای تسلیت به برخی از علما، تلاش مضاعفی برای تحکیم مرجعیت امام خمینی به عنوان مرجع تقلید اعلم انجام داد. در همان ایام و به دنبال شهادت آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی در ۲۰ خرداد ۱۳۴۹ توسط ساواک که از مهم‌ترین مروجین امام خمینی در آن مقطع بود، تلاش کرد به همراه شمار دیگری از مبارزان ضمن هدایت واکنشهای مردمی در اعتراض به شهادت وی، از موقعیت پدید آمده به نفع مبارزه بهره‌برد. بر اثر جریان‌سازی وی در این برهه بود که عده‌ای از طلاب علوم دینی به تهیه و انتشار اعلامیه‌هایی در حمایت از امام خمینی و انتقاد از رژیم و ساواک اقدام کردند [۶۵]. به دنبال آن و با گسترش دامنه‌ی اعتراضات و مبارزات [۶۶] ساواک مشهد در ۲ مهر ۱۳۴۹ دستگیر و مدتی در زندان لشکر خراسان. تنها زندان امنیتی مشهد. بازداشت کرد [۶۷]. در محرم ۱۳۹۱ / اسفند ۱۳۴۹ با آنکه نام آیت‌الله خامنه‌ای در فهرست واعظان ممنوع‌المنبر ساواک قرار گرفته بود وی سخنرانیهایی در هیئت انصارالحسین تهران ایراد کرد [۶۸]. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۵۰ به دعوت آیت‌الله طالقانی سخنرانی‌هایی در مسجد هدایت تهران، که کانون توجه دانشجویان و جوانان مبارز بود، ایراد کرد [۶۹].



در پی تحریم جشنهای ۲۵۰۰ ساله از سوی امام خمینی [۷۰] ساواک مراقبتهای شدیدی نسبت به فعالیت روحانیون مبارز در پیش گرفت. بر این اساس وی در مرداد ۱۳۵۰ به ساواک مشهد احضار و مدتی در زندان لشکر خراسان بازداشت شد [۷۱]. او پس از آزادی، فعالیتهای خود را ادامه داد و در همان سال دو بار دیگر نیز بازداشت شد؛ یکی در آبان ۱۳۵۰ که به بازداشت کوتاه مدت وی در زندان لشکر خراسان انجامید. دیگری در ۲۱ آذر همان سال که به اتهام اقدام برضد امنیت داخلی به سه ماه حبس محکوم گردید [۷۲].

ادامه جلسات درس در تهران، مشهد و نیشابور

وی پس از آزادی، فعالیتهای سیاسی، اجتماعی خود را گسترش داد و بارها در جلسات هیئت انصارالحسین و مسجد نارمک تهران حضور یافت و سخنرانیهایی در موضوعات دینی و سیاسی ایراد کرد. جلسات درس و تفسیر او در مدرسه‌ی میرزاجعفر و مسجد امام حسن (ع) و مسجد قبله و نیز در منزلش در مشهد ادامه داشت. مخاطب او در این جلسات دانش‌آموزان، دانشجویان، طلاب جوان و گروههایی از اقشار مختلف مردم بودند که وی آنان را با تفکر اسلام انقلابی و سیاسی آشنا می‌ساخت. عده زیادی از مخاطبان جلسات و شاگردان او بعدها در اوج مبارزات در نقاط مختلف کشور به آگاهی بخشی پرداختند. گزارشهای جلسات سخنرانی و درس او بارها از سوی مأموران امنیتی منعکس شده است. از نظر ساواک، افرادی چون آیت‌الله خامنه‌ای از مدرسان روشنفکر و انقلابی حوزه‌های علمیه تلقی می‌شدند که ضمن داشتن ارتباط با دانشجویان و جوانان، مروج اندیشه‌های مبارزاتی امام خمینی و خواستار آگاه ساختن طلاب علوم دینی به مسائل سیاسی و اجتماعی بودند [۷۳].

آیت‌الله خامنه‌ای در فروردین ۱۳۵۲ برای تبلیغ عازم نیشابور شد و در مساجد آن شهر سلسله جلسات درس اصول عقاید را، که هفته‌ای یک بار در روزهای سه‌شنبه برگزار می‌شد، دایر کرد [۷۴]. در خرداد ۱۳۵۲ ساواک جلسات تفسیرش در مسجد امام حسن (ع) و منزلش را تعطیل کرد [۷۵]. آیت‌الله خامنه‌ای در آذر ۱۳۵۲ محل اقامه‌ی نماز جماعت و جلسات تفسیر خود را به دعوت بانی و واقف مسجد کرامت،



به آن مسجد انتقال داد و مسجد یادشده را به کانون فعالیت دانشجویان و طلاب جوان تبدیل کرد [۷۶]. ساواک مشهد در واکنش به فعالیتهای سیاسی گسترده‌ی او، او را از اقامه‌ی نماز جماعت در آن مسجد باز داشت [۷۷].

زندان ششم؛ سخت‌ترین دوره حبس

در آبان ۱۳۵۳ به دعوت آیت‌الله محمد مفتاح، امام جماعت مسجد جاوید تهران، که در آن ایام ممنوع‌المنبر شده بود، در آن مسجد به سخنرانی پرداخت. در پی آن ساواک به دستگیری آیت‌الله مفتاح و تعطیلی مسجد جاوید به عنوان یکی از کانونهای مهم مبارزه اقدام کرد [۷۸]. به دنبال آن، منزل آیت‌الله خامنه‌ای هم در آذر ماه همان سال مورد بازرسی ساواک قرار گرفت. ساواک علت بازرسی را، اظهارات وی در جلسه‌ای خصوصی درباره‌ی ضرورت ایجاد جمعیتی برای سامان‌دهی مبارزه و استفاده از فرصتها برای پیشبرد اهداف نهضت اسلامی در مشهد اعلام نمود [۷۹]. در نهایت آیت‌الله خامنه‌ای در دی ۱۳۵۳ برای ششمین بار دستگیر و این بار به زندان کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری در تهران منتقل گردید [۸۰] و به گفته خود دشوارترین و سخت‌ترین وضعیت حبس خود را تجربه کرد. او در حبس، اجازه‌ی ملاقات نداشت و از وضعیت و محل حبس او اطلاعی به خانواده‌اش نیز داده نشده بود [۸۱].

فعالیت‌های منجر به تبعید

او در ۲ شهریور ۱۳۵۴ از زندان آزاد شد، اما تحت مراقبت مأموران امنیتی بود و اقامه‌ی جماعت، سخنرانی، تدریس و جلسات تفسیر وی حتی در منزلش ممنوع شده بود [۸۲]. اما او به‌رغم همه‌ی محدودیتهای سیاسی و امنیتی جلسات تفسیر و فعالیتهای و اقدامات روشنگرانه‌ی انقلابی خود را به صورت مخفیانه پی گرفت و پرداخت شهریه‌ی امام خمینی به طلاب علوم دینی را نیز ادامه داد [۸۳]. در اواخر سال ۱۳۵۴ مخفیانه کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن را با نام مستعار سید علی حسینی منتشر کرد. او در خرداد ۱۳۵۵، به دنبال وقوع سیل در قوچان، گروهی را تشکیل داد که از مشهد برای کمکرسانی به مردم سیل‌زده به آن شهر اعزام شده و با استقرار در مدرسه‌ی عوضیه‌ی آن شهر به امدادرسانی پرداختند [۸۴].



در اسناد ساواک گزارش‌هایی درباره‌ی فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و پدرش در اواخر سال ۱۳۵۵ در مشهد وجود دارد که به طرف‌داری از امام خمینی و تبلیغ نهضت اسلامی پرداخته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای در محرم ۱۳۹۶/دی ۱۳۵۵ سخنرانی‌هایی علیه رژیم ایراد کرد و ضمن برگزاری سلسله‌جلسات مباحثه درباره‌ی تبیین فضای فکری، فرهنگی، به‌ویژه برای دانشجویان و جوانان [۸۵] و نیز حضور در جلسات علما و روحانیون تهران روند مبارزه را شدت بخشید [۸۶]. از سوی دیگر، ساواک هم می‌کوشید برای به دست آوردن مستندات علیه او و مبارزان دیگر در آن جلسات نفوذ کند [۸۷]. به دنبال درگذشت علی شریعتی در لندن در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ آیت‌الله خامنه‌ای در بزرگداشت و مراسم ترحیم وی حضور داشت. این حضور او به دلیل آشنایی و ارتباط دیرینه‌اش با شریعتی و پدرش بود [۸۸].

تبعید به ایرانشهر

به دنبال درگذشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ در نجف اشرف، آیت‌الله خامنه‌ای به همراه برخی از مبارزان مراسم ختمی در ۶ آبان در مسجد ملاهاشم برپا کرد [۸۹]. همان ایام به همراه عده‌ای از علمای مشهد تلگرام تسلیتی به امام خمینی در نجف مخابره کردند [۹۰]. با درگذشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی و تحولاتی که در پی آن پدید آمد، نهضت اسلامی وارد مرحله‌ی نهایی خود شد و حرکت‌های جدی برای پیروزی انقلاب آغاز گردید.

رژیم پهلوی هم در واکنش به این فعالیت‌ها، به‌رغم اعلام سیاست فضای باز سیاسی، با سرکوب و خفقان فعالیت‌های مبارزان را محدودتر کرد. به دنبال اجرای این سیاست، برخی از مبارزان سرشناس به تبعید محکوم شدند که آیت‌الله خامنه‌ای هم در زمره‌ی آنان بود. او از سوی کمیسیون امنیت اجتماعی خراسان به سه سال تبعید در ایرانشهر محکوم گردید [۹۱] و مأموران ساواک در ۲۳ آذر ۱۳۵۶ به منزل او یورش برده و او را دستگیر و به ایرانشهر انتقال دادند. هدف رژیم از این اقدام، قطع ارتباط او با مردم و مبارزان و به دنبال آن، عدم توفیق وی در امر مبارزه و افشاگری علیه حکومت بود [۹۲]. اما وی به علت تعامل با اهل تسنن اشتهار و محبوبیتی در میان مردم ایرانشهر یافت و با بهره‌گیری از این فرصت‌ها پیام انقلاب



را به مردم دورترین نقاط کشور رساند [۹۳]. سخنرانیهای او در مسجد آل رسول ایرانشهر و رفت و آمد علما و روحانیون مبارز، نیروهای انقلابی و اقشار مختلف مردم به منزل او، عوامل امنیتی را بر آن داشت که فعالیتهای او را محدود سازند و از رفت و آمد مردم ممانعت به عمل آورند [۹۴].

او در ۱۹ فروردین ۱۳۵۷ در پی کشتار مردم در یزد، در نامه‌ای به آیت‌الله محمد صدوقی این اقدام وحشیانه‌ی رژیم پهلوی را محکوم کرد و ضمن ترغیب مردم به ادامه‌ی مبارزه، یاد شهدای آن حادثه را گرامی داشت [۹۵]. این نامه به صورت اعلامیه در سراسر کشور پخش گردید [۹۶].

وقوع سیل در ایرانشهر در ۱۱ تیر ۱۳۵۷ موقعیتی فراهم آورد تا آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به تجربیات پیشینش، مدیریت تنها گروه امدادی را عهده‌دار شود. وی با هماهنگی‌هایی که با روحانیون شهرهای مختلف از جمله یزد و مشهد داشت، توانست کمکهای مردمی را از اقصا نقاط ایران جذب و در بین سیل‌زده‌ها تقسیم کند [۹۷].

آیت‌الله خامنه‌ای در دوران تبعید ارتباط خود را با مبارزان و علمای تراز اول مبارزه در شهرهای ایران حفظ کرد و پیوسته مکاتباتی درباره‌ی نهضت اسلامی با آنان داشت و از این طریق در جریان بسیاری از حوادث و رخدادها قرار می‌گرفت و با نامه‌نگاریهای گوناگون در بسیاری از تصمیم‌گیریهای جمعی علما مشارکت می‌کرد.

تبعید به جیرفت

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در آستانه‌ی ماه رمضان، ۲۸ شعبان ۱۳۹۸/۲۸ تیر ۱۳۵۷، شماری از طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به ادامه‌ی تبعید آیت‌الله خامنه‌ای اعتراض و خواستار بازگشت وی به مشهد شدند که به دخالت مأموران انتظامی انجامید [۹۸]. گسترش فعالیتهای انقلابی و مردمی آیت‌الله خامنه‌ای در راستای جهت‌دهی و سامان‌دهی مبارزه در ایرانشهر و مناطق و شهرهای اطراف از یک سو، و محبوبیت و نفوذ



روزافزون وی در میان اقشار مختلف مردم آن سامان از سوی دیگر، مقامات امنیتی را بر آن داشت تا محل تبعید وی را به جیرفت که در مقایسه با ایرانشهر دورافتاده و دارای محدودیت‌های بیشتری بود، تغییر دهند. لذا وی در ۲۲ مرداد به جیرفت انتقال یافت [۹۹].

مبارزات سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در جیرفت هم متوقف نماند و او از همان آغاز ورود به آن شهر با سخنرانی در مسجد جامع به افشاگری علیه حکومت پهلوی پرداخت. یکی از سخنرانی‌ها، که در ۱۵ شهریور ۱۳۵۷ صورت گرفت، به برپایی تظاهرات و سردادن شعارهای انقلابی توسط مردم منجر شد [۱۰۰]. این اتفاق زمانی روی داد که هنوز تظاهرات و راهپیمایی در شهرهای کوچک معمول نشده بود. او در شمار روحانیون تبعیدی‌ای بود که در نامه‌ای به آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، ضمن تشریح حوادث کشور و ذکر جنایات رژیم پهلوی در شیراز، مشهد، اصفهان و جهرم راهکارهایی را برای تداوم نهضت اسلامی تا سرنگونی حکومت پهلوی ارائه دادند [۱۰۱]. وی در این دوره، مخفیانه عازم کهنوج شده، سخنرانی‌های افشاگرانه‌ای ایراد کرد [۱۰۲].

بازگشت به مشهد

با گسترش مبارزات مردمی و ازهم‌گسیختگی ارکان رژیم و ناتوانی آن در مهار روند انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای در اول مهر ۱۳۵۷ از جیرفت به مشهد مراجعت کرد و در آنجا فعالیت‌های خود را در امر سامان‌دهی امور انقلاب و تشدید روند مبارزه و پیگیری مسائل گوناگون نهضت ادامه داد [۱۰۳]. در ایام اقامت امام خمینی در فرانسه، با ارسال تلگرامی به همراه برخی از روحانیون مبارز مشهد، اقامت موقت امام در فرانسه را عاملی برای پدید آمدن موجی از امید و تصمیم و قاطعیت در دل مردم و نشانی از عزم و اراده‌ی راسخ امام در راه نجات امت مسلمان ایران عنوان کرده و از ایشان تقاضا کردند دستورات لازم را برای ادامه‌ی مبارزه صادر کند. در پایان نیز خواستار بازگشت امام خمینی به ایران شدند [۱۰۴].

فعالیت‌های مبارزاتی آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد در مدت اندکی شتاب بیشتری به خود گرفت و او ضمن



سازمان دهی حرکتها و تظاهرات مردمی، سخنرانیهای افشاگرانه‌ای را در اجتماعات مردم مشهد ایراد کرد [۱۰۵]. در عین حال با بیت امام و دیگر مبارزان در ارتباط و مشورت دائم بود. پیرو همین ارتباط بود که سید احمد خمینی در ۱۰ آبان ۱۳۵۷ از پاریس با آیت‌الله صدوقی تماس گرفت و تمایل امام خمینی برای ملاقات با وی و آیت‌الله خامنه‌ای را اعلام کرد [۱۰۶]. آیت‌الله خامنه‌ای در شمار روحانیونی بود که با سخنرانی در ورزشگاه سعدآباد مشهد در اجتماع بزرگ فرهنگیان آن شهر خواستار بازگشت امام خمینی و تشکیل حکومت اسلامی شد [۱۰۷]. او در آخرین روزهای آبان همراه با سید عبدالکریم هاشمی نژاد با عزیمت به شهرستانهای قوچان، شیروان و بجنورد و برپایی جلسات سخنرانی به تقویت جریان انقلاب در آن شهرها همت گماشت. فعالیت‌های روزافزون و تأثیرگذار آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد، مقامات امنیتی رژیم پهلوی را بر آن داشت که ایشان را دستگیر نمایند. در گزارشهای ساواک از آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از پرچمداران برجسته‌ی انقلاب در خراسان نام برده شده است [۱۰۸].

سخنرانی عاشورای ۵۷ در حرم امام رضا (ع)

وی در ۱۹ و ۲۰ آذر ۱۳۵۷ هم‌زمان با تاسوعا و عاشورای حسینی سخنرانی پرشوری در اجتماع بزرگ راه‌پیمایان مشهد ایراد کرد و خطبه‌ی شب عاشورا را در حرم مطهر امام رضا (ع) به نام امام خمینی خواند و با این اقدام انقلابی تابوی سنتی حکومت پهلوی را که تا پیش از آن، مراسم مذکور را به صورت تشریفاتی و با دعا برای محمدرضا پهلوی اجرا می‌کرد، در هم شکست [۱۰۹]. همچنین او در روز عاشورا تظاهرات عظیم مردم مشهد را سامان دهی کرد و در اجتماع بزرگ آنان به سخنرانی پرداخت [۱۱۰]. وی در شمار روحانیونی بود که در ۲۴ آذر در اعتراض به حمله‌ی مأمورین رژیم پهلوی به بیمارستان شاه‌رضای مشهد (امام رضا (ع) کنونی) برنامه‌ی تحصن در بیمارستان مزبور را مطرح کرد [۱۱۱]. در مسیر حرکت آنان برای تحصن بسیاری از مردم نیز به آنان پیوستند و در شمار متحصنین قرار گرفتند [۱۱۲]. متحصنین با صدور اعلامیه‌ای ضمن تشریح جنایات عوامل حکومت پهلوی، مجازات آنان را خواستار شدند [۱۱۳] و بر سرنگونی حکومت پهلوی و بازگشت امام خمینی تأکید کردند. این اقدام آنان بازتاب گسترده‌ای یافت و اعلامیه‌های متعددی در همبستگی و حمایت از آنها در سراسر ایران منتشر شد [۱۱۴].



تظاهرات ۹ دی ۵۷ مشهد

آیت‌الله خامنه‌ای در ۹ دی ۱۳۵۷ به همراه عده‌ای از علمای مبارز مشهد پیشاپیش جمعیت انبوهی از مردم به منظور همراه ساختن کارکنان استانداری خراسان با جریان انقلاب به سوی ساختمان استانداری حرکت کردند. اما علیرغم تلاشهای مسالمت‌آمیز آنها نیروهای انتظامی مستقر در استانداری به سوی مردم آتش گشودند. به دنبال آن جمعیت تظاهرکننده به خیابانها ریخته و برخی ساختمانها و مراکز دولتی را به آتش کشیدند. شب حادثه، علمای مشهد از جمله آیت‌الله خامنه‌ای با تشکیل جلسه‌ای کوشیدند مانع درگیری و کشتار بیشتر مردم در روز بعد بشوند، ولی عوامل رژیم پهلوی با قتل‌عام مردم تظاهرکننده فاجعه‌ی یکشنبه‌ی خونین ۱۰ دی ۱۳۵۷ را به بار آوردند [۱۱۵]. به دنبال وقوع این حوادث، آیت‌الله خامنه‌ای به همراه عده‌ای از روحانیون مبارز مشهد در محکومیت این حادثه و تداوم نهضت اعلامیه‌ای صادر کردند [۱۱۶].

عضویت در شورای انقلاب

با شتاب گرفتن روند فروپاشی حکومت پهلوی و نمایان شدن نشانه‌های پیروزی نهایی نهضت اسلامی، امام خمینی در ۲۲ دی ۱۳۵۷ فرمان تشکیل شورای انقلاب اسلامی را صادر کردند [۱۱۷]. آیت‌الله خامنه‌ای که از سوی امام به عضویت آن شورا انتخاب شده بودند با نقش محوری که در تحولات انقلاب اسلامی در مشهد داشت، این شهر را ترک و در اواخر دی ۱۳۵۷ به تهران آمد و در مدرسه‌ی رفاه مستقر شد و همگام با دیگر مبارزان، به‌ویژه آیات بهشتی، مطهری و مفتح برای تدارک مرحله‌ی نهایی پیروزی انقلاب اسلامی و برنامه‌ریزی برای آینده، نقش فعالی برعهده گرفت [۱۱۸]. پس از تشکیل کمیته‌ی استقبال از امام خمینی توسط شورای انقلاب اسلامی [۱۱۹] مسئولیت کمیته‌ی تبلیغات آن را عهده‌دار شد.

تحصن در مسجد دانشگاه تهران

به دنبال بسته شدن فرودگاههای کشور به دستور بختیار و ممانعت از بازگشت امام خمینی به ایران، آیت‌الله خامنه‌ای به همراه آیت‌الله بهشتی و چند تن از روحانیون مبارز سرشناس در اعتراض به این



اقدام دولت، در مسجد دانشگاه تهران تحصن عظیمی را سامان دهی کردند که با پیوستن سایر علما، دانشگاهیان و مردم ابعاد وسیعی به خود گرفت [۱۲۰].

شب قبل از آغاز تحصن، آیت‌الله بهشتی در بهشت زهرا سخنرانی کرد و آیت‌الله خامنه‌ای قطعنامه‌ای را که خود تهیه کرده بود برای مردم قرائت نمود و با این برنامه تحصن روز بعد در مسجد دانشگاه تهران قطعیت یافت. آیت‌الله خامنه‌ای در طول تحصن با تشکیل ستادی و با مشارکت برخی از مبارزین متحصن به اقداماتی دست زدند که عمده‌ترین آنها انجام سخنرانی، انتشار اعلامیه و انتشار نشریه‌ای به نام «تحصن» بود [۱۲۱]. متحصنان در روز هشتم بهمن با صدور اعلامیه‌ای تأکید کردند تا باز شدن فرودگاه‌ها به روی امام خمینی به تحصن خود ادامه خواهند داد [۱۲۲]. این تحصن که تا صبح روز ۱۲ بهمن ادامه یافت [۱۲۳]، مسجد دانشگاه تهران را به کانونی تأثیرگذار در روند مبارزه تبدیل کرد.

در لحظه‌ی تاریخی ورود امام خمینی به میهن در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ آیت‌الله خامنه‌ای، به همراه علما، روحانیون و مبارزان اسلامی برای استقبال از امام خمینی در فرودگاه مهرآباد حضور یافت. در طول دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای همواره در کنار امام خمینی بود و در بسیاری از امور به ایشان مشورت می‌داد و همچنین مسئولیت کمیته‌ی تبلیغات دفتر امام را با هدف مقابله با توطئه‌های خبری و تبلیغاتی مخالفان داخلی و خارجی حکومت اسلامی، مقابله با فرصت‌طلبی‌های احزاب و گروه‌های گوناگون سیاسی، تنظیم و انتشار اخبار و انتشار نشریه‌ای به نام «امام» بر عهده داشت. خود نیز چند مقاله نوشت و در آن نشریه منتشر کرد [۱۲۴].

۲.۳. دهه‌ی اول انقلاب اسلامی: بهمن ۱۳۵۷ - خرداد ۱۳۶۸

۱.۲.۳. فعالیت‌های سیاسی

شورای انقلاب

یکی از نخستین عرصه‌های نقش‌آفرینی آیت‌الله خامنه‌ای در روند تکون نظام جمهوری اسلامی، عضویت



و فعالیت در شورای انقلاب بود. این شورا پس از مهاجرت امام خمینی به فرانسه در مهر ۱۳۵۷ و ظهور نشانه‌های پیروزی انقلاب اسلامی و ورود نهضت اسلامی به مرحله‌ی انقلاب با نظر امام خمینی از اوایل آبان شکل گرفت و اعضای آن توسط امام خمینی به تدریج انتخاب شدند، اما به لحاظ رعایت ملاحظات مختلف به صورت رسمی در آستانه‌ی پیروزی انقلاب در ۲۲ دی ۱۳۵۷ اعلام گردید [۱۲۵].

نخستین اعضای شورا آقایان مرتضی مطهری، سید محمد حسینی بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، محمدرضا مهدوی کنی، سیدعلی خامنه‌ای و محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی رفسنجانی بودند. در ادامه کار شورا نیز افراد دیگری به عضویت آن درآمدند [۱۲۶]. آیت‌الله خامنه‌ای در اواخر دی ماه در این جلسات حضور پیدا کرد [۱۲۷]. شورا در این مقطع، تصمیم‌گیریهای مهم در مورد مبارزه را برعهده داشت. از جمله‌ی آنها مذاکره با مقامات حکومت پهلوی و مقامات کشورهای خارجی، از جمله آمریکا و نیز تشکیل کمیته‌ی استقبال از امام خمینی بود [۱۲۸]. اقدام مهم دیگر شورای انقلاب در مقطع قبل از پیروزی، معرفی مهدی بازرگان به عنوان رئیس دولت موقت به امام خمینی بود [۱۲۹].

پس از پیروزی انقلاب آنچه برعهده شورای انقلاب قرار داشت عبارت بود از: قانون‌گذاری در غیاب قوه‌ی مقننه، انجام بخشی از وظایف قوه‌ی مجریه پس از ادغام دولت موقت و شورای انقلاب در تیر ۱۳۵۸ و انجام همه آن پس از استعفای دولت موقت در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ تا پس از آن. در کنار این وظایف اصلی، مرجعی برای رفع معضلات و بحرانهای پیش روی نظام نوپای جمهوری اسلامی و مشاوره برای امام نیز بود [۱۳۰]. به رغم تغییر چندین باره ترکیب اعضای شورای انقلاب در ادوار چهارگانه‌ی آن تا پایان فعالیتش در ۲۹ تیر ۱۳۵۹ آیت‌الله خامنه‌ای عضو ثابت آن باقی ماند [۱۳۱]. ایستادگی در برابر نظرات و مواضع جهت‌دار اعضای موسوم به «لیبرال» شورا، هشدارهای مکرر نسبت به ضرورت جلوگیری از نفوذ اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر احزاب و گروههای مخالف انقلاب اسلامی در ارتش و عرصه‌ی فرهنگ کشور از مواضع مهم وی در جلسات و تصمیمات شورا بود [۱۳۲].



او معتقد بود که در شورای انقلاب باید از اقشار گوناگون جامعه نماینده‌های حضور داشته باشد [۱۳۳]. مسائل کردستان، سیستان و بلوچستان و دیگر مناطق کشور و ضرورت حفظ وحدت از دیگر موضوعات مهم و مورد توجه وی در شورای انقلاب بود. او بر این عقیده بود که دولت موقت در قضیه کردستان ضعف نشان داده و باید آن را از راههای مختلف حل کرد و از سرایت آن به سایر مناطق قومی کشور جلوگیری نمود [۱۳۴]. در مورد منطقه‌ی سیستان و بلوچستان نیز براساس از تجربه‌ی حضورش در زمان تبعید و اطلاع از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن منطقه، بر بهبود وضع اقتصادی و معیشتی مردم آن دیار تأکید داشت [۱۳۵]. در این زمینه در ۹ فروردین ۱۳۵۸ از سوی امام خمینی مأموریت یافت در رأس هیأتی عازم آن منطقه شود تا به خواسته‌ها و مشکلات مردم رسیدگی و در مورد وضعیت آن منطقه گزارشی تهیه کند [۱۳۶]. در این سفر، افزون بر مأموریت یادشده، با برخی از سران و متنفذین محلی منطقه دیدار و سیاستهای نظام جمهوری اسلامی را برای آنها تشریح و تبیین کرد.

حمایت از تأسیس و تقویت نهادهای انقلابی و مردمی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی از دیگر مواضع اصولی وی در شورای انقلاب بود [۱۳۷].

معاونت امور انقلاب وزارت دفاع ملی

با ادغام دولت موقت و شورای انقلاب در آخر تیر ۱۳۵۸ برخی اعضای شورای انقلاب از سوی آن شورا به برخی از وزارتخانه‌های حساس راه یافتند و از آن جمله آیت‌الله خامنه‌ای به معاونت امور انقلاب وزارت دفاع انتخاب گردید [۱۳۸]. همچنین در جریان ادغام شورای انقلاب و دولت موقت که با هدف تمرکز بیشتر در قوه‌ی مجریه صورت گرفت ایشان به عضویت کمیسیون وزرای امنیتی که سرپرستی و مسئولیت کلیه‌ی امور انتظامی، نظامی و امنیتی، از جمله بحران‌های گنبد، کردستان و خوزستان و مقابله با اقدامات احزاب و گروههای ضدانقلاب را بر عهده داشت، انتخاب گردید [۱۳۹].



سرپرستی سپاه پاسداران

از دیگر مأموریت‌های وی از طرف شورای انقلاب، مسئولیت مرکز اسناد و نیز سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۳ آذر ۱۳۵۸ بود [۱۴۰]. وی قبل از این نیز به نمایندگی از سوی شورای انقلاب در برخی جلسات سپاه پاسداران شرکت می‌کرد. علت انتخاب او به سرپرستی سپاه، باقی ماندن پاره‌ای اختلافات در بدنه و سازمان سپاه بود که در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفته بود و با تلاش‌های میانجیگرانه به نتیجه نرسیده بود [۱۴۱]. وی که از حامیان نیروهای نظامی مردمی، به‌ویژه سپاه بود، در مدت حضور در رأس آن نیرو سعی کرد علاوه بر رفع اختلافات موجود، سازمان مناسبی بدان بدهد. او در ۵ اسفند ۱۳۵۸ از مسئولیت سرپرستی سپاه به دلیل نامزدی در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی استعفا داد [۱۴۲].

تأسیس حزب جمهوری اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در ایام منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، هم‌زمان با حضور مؤثر در شورای انقلاب و تمشیت امور انقلاب در دوره‌ی گذار [۱۴۳]، به‌همراه سید محمد حسینی بهشتی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمدجواد باهنر برای ایجاد تشکیلی انقلابی فعالیت می‌کرد [۱۴۴]. این تشکل با نام حزب جمهوری اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ رسماً اعلام موجودیت کرد اما پایه‌های تأسیس آن به جلساتی در مشهد در تابستان ۱۳۵۶ بر می‌گردد که در آن برخی از مبارزان از جمله مؤسسين بعدی حزب جمهوری اسلامی در صدد تشکیل مجمع و سازمان متشکلی برای فعالیت بر ضد حکومت پهلوی و توسعه اندیشه‌ی اسلامی بودند [۱۴۵]. بر این مبنا حزب در دوره فعالیت غیررسمی خود در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب نقش مؤثری در برگزاری اجتماعات و سخنرانیها بر عهده داشت که فعالیت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه قابل ملاحظه بود [۱۴۶].

از دلایل تأسیس حزب جمهوری اسلامی می‌توان به پرکردن خلاء ناشی از فقدان تشکیلات منظم و روزآمد برای صیانت و حمایت از نظام نوپای جمهوری اسلامی، کمک به تداوم انقلاب و حفظ یکپارچگی و حضور



مردم در صحنه، پی‌ریزی بنیانهای اساسی نظام جمهوری اسلامی، صیانت از محوریت نقش‌آفرینی امام خمینی در دوران پس از انقلاب، تعمیق اندیشه‌ی اصیل اسلامی در اذهان مردم، هدایت لحظه به لحظه‌ی سیاسی مردم، کمک برای تأمین نیروی انسانی دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی، موضع‌گیری صریح و صادقانه در برابر ترفندها و فریبهای دشمنان داخلی و خارجی اشاره کرد [۱۴۷]. وی از تهیه‌کنندگان مرامنامه‌ی حزب بود. در تقسیم‌بندی وظایف اعضا نیز وظیفه‌ی تبلیغات حزب را برعهده گرفت [۱۴۸]. ایشان عضو مؤسس و عضو شورای مرکزی حزب بود و در مجموع در دوره‌ی تأسیس حزب بیشتر نقش تبیینی ایفا کرد و مواضع حزب را به صورت گفتارها و جزوه‌هایی ارائه نمود. او در تأسیس شعبه‌ی حزب در مشهد نقش داشت و دفتر آن شعبه را در ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ افتتاح کرد.

دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی

پس از آیت‌الله بهشتی و دکتر باهنر. اولین و دومین دبیرکل حزب. آیت‌الله خامنه‌ای در شهریور ۱۳۶۰ از سوی شورای مرکزی حزب به عنوان سومین دبیرکل حزب انتخاب شد [۱۴۹]. در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا زمان تثبیت نظام جمهوری اسلامی در دهه‌ی ۱۳۶۰، حزب جمهوری اسلامی به مثابه رکن مهمی از حاکمیت خارج از ساختار سیاسی رسمی فعالیت می‌کرد و مقوم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی بود [۱۵۰].

ایشان حزب جمهوری اسلامی را نهادی ضروری جهت حفاظت از کلیت نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌دانستند. نخستین کنگره‌ی حزب در اردیبهشت ۱۳۶۲ برگزار و آیت‌الله خامنه‌ای برای دومین بار به دبیرکلی حزب و عضویت شورای مرکزی [۱۵۱] و شورای داوری حزب [۱۵۲] انتخاب شد. وی در طول دوران ریاست جمهوری در جلسه‌های حزب جمهوری اسلامی در تهران و شهرستانها شرکت می‌کرد و ضمن تبیین مأموریتها و اهداف حزب، به پرسشهای دفاتر، شعب و اعضای حزب پاسخ می‌داد [۱۵۳].

ایشان هم‌زمان با دوره‌ی دوم ریاست جمهوری نیز دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی را برعهده داشت. در این دوره فعالیت‌های حزب به دلایل مختلف، از جمله: رفع بحرانهای سالهای اولیه‌ی انقلاب، تأسیس



نهادهای و سازمانهای مورد نیاز جمهوری اسلامی که حزب در تأسیس، تقویت و رشد آنها نقش مؤثری داشت، اشتغال شخصیت‌های محوری حزب از جمله آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در مشاغل مهم نظام در کنار فقدان برخی از بنیانگذاران مؤثر آن، نارضایتی امام خمینی از تبدیل حزب از عامل وحدت‌بخش به عامل تفرقه و تشدید جناح‌بندیها در درون حزب، کاهش یافت و دیگر کارایی سالهای اولیه‌ی خود را نداشت [۱۵۴]. لذا آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در اوایل خرداد ۱۳۶۶ با نگارش نامه‌ای به امام خمینی و ذکر دلایل یادشده، به ویژه پیدایش و تشدید جناح‌بندی در درون حزب و خطر آن برای وحدت و انسجام جامعه، خواستار تعطیلی فعالیتهای آن شدند [۱۵۵]. امام خمینی نیز در ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ با این درخواست موافقت کرد و متعاقب آن فعالیتهای حزب تعطیل شد [۱۵۶].

امامت جمعه‌ی تهران

امام خمینی در ۲۴ دی ۱۳۵۸ آیت‌الله خامنه‌ای را با اشاره به حسن سابقه و شایستگی در علم و عمل به امامت جمعه تهران منصوب کردند [۱۵۷]. ایشان نخستین نماز جمعه را در ۲۸ دی ۱۳۵۸ امامت کردند [۱۵۸]. از این تاریخ تا واقعه‌ی ۶ تیر ۱۳۶۰ که در مسجد ابوذر تهران به ایشان سوء قصد و بر اثر آن به شدت مجروح گردیدند، به جز مقطع ۲۱ بهمن تا ۶ اسفند ۱۳۵۹ که در جریان سفری تبلیغی در هندوستان به سر میبرد، نماز جمعه‌ی تهران را اقامه کردند [۱۵۹]. پس از آن نیز همواره این سمت را بر عهده داشت.

اقدام مهم و ابتکاری وی در مورد نماز جمعه، پیشنهاد برگزاری سمینارهای ائمه‌ی جمعه به منظور انسجام شبکه‌ی امامان جمعه در داخل کشور و جهان اسلام بود که پس از موافقت امام خمینی، نخستین سمینار در مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم برگزار شد و پس از آن سمینارهای متعددی نیز برگزار شد [۱۶۰]. وی در خطبه‌های نماز جمعه به عنوان یک تربیون اثرگذار، مهم‌ترین و قاطع‌ترین مواضع اصولی و راهبردی نظام جمهوری اسلامی را ارائه کرده و همچنین، به تعمیق اندیشه دینی و بینش و بصیرت سیاسی جامعه پرداخته است. اهتمام به خطبه‌های عربی نیز که مخاطب آن مسلمانان جهان اسلام بود، از ویژگی‌های خطبه‌های ایشان بوده است.



نماینده‌گی در مجلس شورای اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای پس از نامزدی برای انتخابات نخستین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۵۸، از سوی ائتلاف بزرگ نیروهای خط امام شامل جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، حزب جمهوری اسلامی و چندین سازمان و گروه اسلامی دیگر در انتخابات مجلس شورای اسلامی حمایت شد [۱۶۱] و از حوزه‌ی انتخابیه‌ی تهران وارد مجلس شد. در مجلس، عضو و رئیس کمیسیون امور دفاعی بود.

در مدت ریاست ایشان طرحها، لوایح و موضوعات متعددی در آن کمیسیون بررسی شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان تأمین نیازمندیهای استخدای سپاه پاسداران، ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران، مسئله‌ی کردستان، مسائل مرزی، مسئله‌ی بلوچستان و سازمان‌دهی نوین ارتش را نام برد [۱۶۲]. از موضع‌گیریهای مهم وی در طول نمایندگی می‌توان به صحبت‌های مهم و مستند او در موافقت با طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر برای ریاست جمهوری اشاره کرد [۱۶۳]. با آغاز جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و به سبب حضور در جبهه‌های جنگ، در جلسات مجلس شورای اسلامی کمتر حضور یافت و پس از جراحی شدید در ۶ تیر ۱۳۶۰ در موارد معدود در آن حاضر شد. با انتخاب به مقام ریاست جمهوری در مهر ۱۳۶۰ قوه‌ی مقننه را ترک گفت.

حضور در دفاع مقدس

آیت‌الله خامنه‌ای از نخستین ساعات آغاز جنگ ایران و عراق، در تدبیر مسائل جنگ بصورت فعالانه به ایفای نقش پرداخت.

ساعاتی پس از شروع حمله به خاک کشورمان اولین اطلاعیه در مورد تجاوز ارتش بعث عراق به ایران را تهیه و از رادیو به اطلاع مردم رساند [۱۶۴]. در دومین روز شروع جنگ در جلسه‌ای که در ستاد مشترک ارتش برای بررسی چگونگی برخورد با تجاوز نظامی عراق تشکیل شد، حضور یافت. و آنگاه که قرار شد یک نفر از آنها برای بررسی مسئله به جبهه‌های جنگ برود، نخستین کسی که این پیشنهاد را پذیرفت آیت‌الله خامنه‌ای بود [۱۶۵]. در ۵ مهر ۱۳۵۹ پس از اجازه امام خمینی در کسوت یک نظامی، در



جبهه‌های جنگ حضور یافت [۱۶۶] تا گزارشی از وضعیت جبهه‌ها و امکانات نیروهای ایرانی منطقه‌ی مورد تجاوز نیروهای عراقی تهیه نموده و به سازمان دهی نیروها برای مقابله با دشمن کمک کند [۱۶۷]. بر این اساس عازم جبهه جنوب شد و در عقب‌راندن نیروهای متجاوز عراق از منطقه‌ی عمومی اهواز و همچنین عملیات شکست حصر سوسنگرد در ۲۶ آبان ۱۳۵۹، نقش محوری و راهبردی ایفا نمودند و همچنین در اوایل بهار سال ۱۳۶۰ در جبهه غرب نیز حضور داشتند ولی حضور جز برای اقامه نماز جمعه تهران، دیدار و گزارش به امام یا جلسات ضروری و سفرها و سخنرانی‌های لازم، مستمر بود [۱۶۸].

وی در چندین عملیات نظامی و یا طراحی آن شرکت کرد. پشتیبانی و تأمین نیازهای تسلیحاتی و تدارکاتی نیروهای بسیجی و سپاهی از دیگر فعالیتهای ایشان در صحنه‌ی نبرد بود. بیشتر وقت وی در جبهه‌ها صرف هدایت، پشتیبانی و طراحی عملیات ستاد جنگهای نامنظم - که توسط ایشان و شهید مصطفی چمران تشکیل شده بود - می‌شد [۱۶۹]. از اقدامات ویژه‌ی این ستاد که آیت‌الله خامنه‌ای مستقیماً در آن نقش داشت، تشکیل گروههای نظامی مخصوص شکار تانک بود. در پشتیبانی از جبهه‌های خرمشهر، آبادان و سوسنگرد نقش مؤثری داشت و در تقویت نیروهای نظامی مردمی مثل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج و تهیه‌ی نیازمندیهای فنی و تجهیزاتی آنها نقش بسیاری ایفا نمود [۱۷۰]. از دیگر تلاش‌های ایشان ایجاد هماهنگی بین سپاه و ارتش در جبهه‌ها و عملیات نظامی بود [۱۷۱].

نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع

به فرمان امام خمینی در ۲۰ مهر ۱۳۵۹ شورای عالی دفاع عهده‌دار کلیه‌ی امور جنگ شد [۱۷۲] و آیت‌الله خامنه‌ای که براساس حکم امام در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ نماینده‌ی ایشان در این شورا [۱۷۳] و نیز سخنگوی آن بود [۱۷۴]. در این مدت مشاور امام خمینی در امور و مسائل جنگ نیز بود [۱۷۵]. وی معمولاً در پایان جلسه‌های شورای عالی دفاع درباره‌ی مباحث و تصمیمات شورا مصاحبه‌ی مطبوعاتی انجام می‌داد و تصمیمات شورا را به اطلاع مردم می‌رسانید [۱۷۶].



عملیات شکست حصر آبادان

در عملیات شکستن حصر آبادان [۱۷۷] حضور مستقیم داشت و در مورد خرمشهر نیز اعتقاد داشت که با اتخاذ تدابیر نظامی درست می‌توان از سقوط آن جلوگیری کرد. حتی در این زمینه نامه‌ای به ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوای وقت نوشت و هشدار داد که در صورت استقرار دو تیپ زرهی در اطراف خرمشهر، می‌توان از سقوط شهر جلوگیری به عمل آورد. اما، بنی‌صدر به آن هشدار توجهی نکرد [۱۷۸].

اندکی پس از آغاز جنگ گروهی از شخصیتها و سازمانهای بین‌المللی و نیز برخی از کشورها برای ایجاد صلح بین دو کشور، به فعالیت‌هایی دست زدند. آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد اعتقاد داشت تا زمانی که عراق شروط اصلی ایران شامل عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، پرداخت خسارت و تنبیه متجاوز را نپذیرد، صلحی پدید نخواهد آمد و اگر عراق این شروط را نپذیرد آن را به زور از سرزمینهای خود بیرون می‌کنیم. همچنین معتقد بود که صلح تحمیلی بدتر از جنگ است [۱۷۹]. با وجود این تردد هیئتهای صلح را از این نظر که باعث روشن شدن ابعاد جنایات صدام حسین و نیروهای او علیه مردم ایران شد و به اثبات مظلومیت ایران و تجاوزگری صدام کمک می‌کرد، مفید می‌دانست [۱۸۰].

جنگ، مهمترین موضوع دوران ریاست جمهوری

در دو دوره‌ی ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، جنگ در رأس امور و مهم‌ترین موضوع کشور بود. از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ تحولاتی در صحنه‌ی جنگ پیش آمد و در مجموع موازنه در جبهه‌های جنگ به سود ایران تغییر یافت. نیروهای عراقی از بیشتر سرزمین‌های اشغال‌شده بیرون رانده شدند و با وحدت‌نظر مسئولان ارشد کشور از جمله آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس شورای عالی دفاع سلسله عملیات‌های نظامی، طراحی و اجرا شد. هم‌زمان با آن تحولات، حضور دیپلماتیک ایران در عرصه‌ی بین‌المللی نیز بیشتر و فعال‌تر شد.



ایشان طی هفت سال از مجموع هشت سال دوران ریاست جمهوری خود که مقارن با جنگ بود، بخش زیادی از مذاکرات خارجی خود را به مذاکره با هیئتهای حسن نیت صلح که از سوی سازمانهای بین المللی، اسلامی و منطقه‌ای و یا با شخصیت‌های مهم بین المللی و منطقه‌ای که مأموریت میانجی‌گری داشتند، اختصاص دادند. در دوره ریاست جمهوری به دلیل مخالفت امام با حضور در جبهه‌های جنگ، به برخی حضورها و بازدیدهای محدود اکتفا کردند اما در مقطع پایانی جنگ و پس از قبول قطعنامه وضعیت و خیم جبهه‌ها ایشان را ناگزیر کرد پس از کسب موافقت امام خمینی برای ایجاد تحولی عظیم به جبهه‌ها رهسپار شود.

همچنین که آیت‌الله خامنه‌ای در دوره ریاست جمهوری رئیس شورای عالی پشتیبانی جنگ بود. این شورا به دلیل شرایط خاص جنگ در سال ۱۳۶۵ و به منظور به‌کارگیری هرچه بهتر امکانات کشور در خدمت جنگ و انجام اقدامات مؤثر در بسیج نیروها و امکانات برای رفع نیازمندیهای جبهه‌های جنگ تشکیل شد [۱۸۱]. امام خمینی در پاسخ به استعلام ایشان در ۱۹ بهمن ۱۳۶۶ مصوبات آن شورا را تا پایان جنگ لازم‌الاجرا اعلام کرد [۱۸۲].

در تابستان ۱۳۶۷ و در آخرین سال ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، و با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران جنگ عراق با ایران به پایان رسید. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی حضرت امام خمینی (ره) و پیش از اعلام رسمی آن، جلسه‌ای به ریاست آیت‌الله خامنه‌ای و با حضور مسؤولان عالی‌رتبه نظام برای تبیین عوامل و دلایل پذیرش قطعنامه از سوی امام برگزار گردید.

امام خمینی در پیامی به مردم ایران قبول قطعنامه را مسئله‌ای بسیار تلخ و ناگوار و صرفاً به دلیل مصلحت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم... در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است»



[۱۸۴]. به دنبال این تصمیم آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس‌جمهور در نامه‌ای در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷ به دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، خاویر پرز دکوئیار، پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران را اعلام کرد[۱۸۵].

۲.۲.۳. فعالیت‌های ارشادی و تبیینی

بخش مهمی از فعالیت‌های سیاسی و مذهبی آیت‌الله خامنه‌ای از پیروزی انقلاب اسلامی تا انتخاب به ریاست جمهوری، فعالیت‌های ارشادی به منظور نهادینه کردن و تثبیت نظام جمهوری اسلامی بود.

توصیه امام به دانشجویان برای رجوع به آیت‌الله خامنه‌ای

به دنبال شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری و خلأی که از فقدان وی در میان دانشجویان و دانشگاهیان پدید آمده بود، امام خمینی در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ طی سخنانی در جمع دانشجویان، آیت‌الله خامنه‌ای را فردی فهیم و سخنور نامیده و مرجع رسیدگی به مسائل فکری و عقیدتی دانشجویان و مقابله با تبلیغات احزاب و گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه مارکسیست‌ها در محیط دانشگاهی تعیین کرد[۱۸۶].

وی از این تاریخ تا شروع جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ روزهای دوشنبه در مسجد دانشگاه تهران در جمع دانشجویان حضور می‌یافت و ضمن اقامه جماعت نماز ظهر و عصر و ایراد سخنرانی در موضوعات مهم روز، به پرسش‌های فکری و سیاسی آنها پاسخ می‌داد. این جلسات بعدها در مساجد مهم تهران ادامه پیدا کرد. حادثه سوءقصد به ایشان در مسجد اباذر در خلال یکی از از همین جلسات رخ داد[۱۸۷].

جلوگیری از انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی

اقدام دیگر او مقابله با تلاش‌هایی بود که از سوی برخی از اعضای دولت موقت برای انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی در حال شکل‌گیری بود. بدین نحو که نامه‌ای به امضای پانزده نفر از وزیران



و اعضای دولت موقت تهیه شده بود و در نظر داشتند قبل از اطلاع امام خمینی و اظهار نظر ایشان، انحلال مجلس مزبور را به مردم اطلاع دهند و اگر امام خمینی مخالفتی کرد به صورت دسته جمعی استعفا کنند [۱۸۸].

آیت الله خامنه‌ای که از سوی شورای انقلاب در جلسه‌ی هیأت وزیران شرکت می‌کرد، بعد از طرح نامه‌ی مذکور در جلسه به شدت با آن مخالفت نمود و بر ضرورت اطلاع امام خمینی پیش از انتشار آن تأکید ورزید. امام خمینی نیز، پس از آگاهی از موضوع، با درخواست آنان مخالفت نمود و بر ادامه‌ی کار قانونی مجلس خبرگان قانون اساسی تأکید کرد [۱۸۹].

سفر تبلیغی به هند

در دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی که مقارن با آغاز قرن پانزدهم هجری قمری نیز بود بنا به تصمیم شورای عالی تبلیغات اسلامی، هیئتهای گوناگونی از طرف نظام جمهوری اسلامی به کشورهای مختلف جهان عزیمت کردند تا مواضع و دیدگاههای جمهوری اسلامی ایران و ویژگیهای انقلاب اسلامی را برای ملتها، به ویژه ملتهای مسلمان تشریح و تبیین کنند. آیت الله خامنه‌ای سرپرستی هیئت اعزامی به هندوستان را بر عهده گرفت.

ایشان به مدت دو هفته در اواخر بهمن و اوایل اسفند ۱۳۵۹ به شهرهایی چون دهلی نو، حیدرآباد، بنگلور [۱۹۰] و منطقه‌ی کشمیر [۱۹۱] سفر کرد و در سخنرانیها، دیدارها و گفت‌وگوها و مصاحبه‌های مطبوعاتی به‌ویژه با اصحاب مطبوعات محلی، دانشجویان و استادان دانشگاهها، تشکلهای و شخصیت‌های اسلامی و شیعیان هند چهره‌ی واقعی انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی و مسائل مهم آن، به ویژه جنگ با عراق را تشریح و بیان کرد [۱۹۲]. همچنین، با خانم گاندی نخست‌وزیر هند. که از شخصیت‌های معتبر و موجه بین‌المللی بود. دیدار و گفتگو کرد [۱۹۳].



مقابله با لیبرال‌ها و بنی‌صدر

یکی از مسائل مهم جامعه‌ی ایران در سالهای اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی وجود و فعالیت دو جناح تأثیرگذار موسوم به نیروهای خط امام و لیبرال‌ها در ساختار سیاسی رسمی کشور بود. بیشتر یاران، نزدیکان و مشاوران امام خمینی از جمله آیت‌الله خامنه‌ای در جناح نیروهای خط امام قرار داشتند. چهره‌ی شاخص جناح لیبرال که از لحاظ فکری و بینش سیاسی تعارض‌های زیادی با نیروهای خط امام داشت، ابوالحسن بنی‌صدر بود.

آیت‌الله خامنه‌ای، بنی‌صدر را نماینده‌ی جریانی می‌دانست که عامل تفرقه و درگیری در سطح مسئولان ارشد کشور و در نتیجه سبب تفرقه و تشتت در جامعه بود [۱۹۴]. اما با وجود اختلاف نظر اساسی با بنی‌صدر و جریان همفکر و حامی او، به منظور حفظ وحدت در جامعه و تأکید امام خمینی بر آن، مخالفت خود را در محافل عمومی ابراز نمی‌کرد. در برخی موارد نیز داوری نزد امام خمینی می‌برد. پس از انحراف واضح بنی‌صدر از ماهیت انقلاب اسلامی و قانون اساسی و پس از طرح عدم کفایت سیاسی وی برای ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، آیت‌الله خامنه‌ای در موافقت با طرح نطق مشروح و مؤثری را ایراد کرد [۱۹۵].

آیت‌الله خامنه‌ای از ۱۳۵۸ تا اول تیر ۱۳۶۰ در موارد گوناگون علیه جناح لیبرال و ملی‌گرا موضع مخالف گرفت. وی با حفظ دفتر مستشاری نظامی امریکا در ایران و تغییر نام آن از سوی دولت موقت مخالفت کرد [۱۹۶]. در مورد انتخاب وزیران، معاونان وزراء و مسئله‌ی پاکسازی در ادارات و سازمانهای دولتی نیز با انتخاب افرادی که در خط انقلاب نبودند و طرف‌دار خط سازش با امریکا و یا رابطه داشتن با کشورهای مرتجع عرب و مواردی از این دست بودند، مخالفت می‌کرد [۱۹۷].

۳.۲.۳. ترور نافرجام توسط منافقین

آیت‌الله خامنه‌ای در ۶ تیر ۱۳۶۰ و در حال سخنرانی پس از نماز ظهر در مسجد ابوذر، واقع در یکی از مناطق



جنوب تهران، در اثر انفجار بمبی که در ضبط صوت کار گذاشته شده بود به شدت زخمی شد [۱۹۸]. امام خمینی، در پیامی خطاب به ایشان توطئه‌ی سوء قصد به جان وی را محکوم کرد و از ایشان تجلیل نمود [۱۹۹]. بر اثر این سوء قصد، ایشان از ناحیه‌ی سینه، کتف و دست راست آسیب جدی دید. گزارشهای غیررسمی مسبب این حادثه را سازمان مجاهدین خلق ایران دانسته‌اند [۲۰۰]. آیت‌الله خامنه‌ای اولین فردی بود که در حوادث و جریان‌ات پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری ترور شد. در ۱۸ مرداد ۱۳۶۰ از بیمارستان مرخص شد و مجدداً به صحنه‌ی اجتماع و سیاست بازگشت و از ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ در جلسات مجلس شورای اسلامی حاضر شد [۲۰۱].

۳.۳. دوران ریاست جمهوری

دور اول - انتخاب به عنوان ریاست جمهوری با ۹۵ درصد آرا پس از شهادت محمدعلی رجایی. دومین رئیس جمهور اسلامی ایران. شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و نیز جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به اتفاق آرا و علیرغم مخالفت ایشان، وی را به عنوان نامزد ریاست جمهوری انتخاب کردند و امام خمینی که سابقاً با تصدی روحانیون برای ریاست جمهوری موافق نبودند با نامزدی ایشان موافقت کردند [۲۰۲].

پس از نامزدی و اعلام صلاحیت توسط شورای نگهبان، گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف از ریاست جمهوری ایشان حمایت کردند. از مهم‌ترین حامیان آیت‌الله خامنه‌ای ائتلاف گروه‌های خط امام بود [۲۰۳]. انتخابات در ۱۰ مهر ۱۳۶۰ برگزار شد و آیت‌الله خامنه‌ای با کسب اکثریت مطلق آراء (۹۵/۱۱ درصد) به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد [۲۰۴]. در ۱۷ مهر ۱۳۶۰ امام خمینی حکم ریاست جمهوری ایشان را تنفیذ کرد [۲۰۵] و در ۲۱ مهر به عنوان سومین رئیس جمهور اسلامی ایران در مجلس شورای اسلامی سوگند یاد کرد [۲۰۶].

در ۲۷ مهر ۱۳۶۰ علی‌اکبر ولایتی را که عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و از نیروهای خط امام بود، به عنوان نخست‌وزیر به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد [۲۰۷]، ولی وی در رأی‌گیری روز ۳۰ مهر



۱۳۶۰ نتوانست آرای اکثریت نمایندگان را کسب نماید [۲۰۸]. در ۴ آبان ۱۳۶۰ میرحسین موسوی را که عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، سردبیر روزنامه‌ی جمهوری اسلامی و وزیر امور خارجه‌ی دولتهای رجایی، باهنر و مهدوی کنی [۲۰۹] بود به عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد [۲۱۰]. او توانست در ۶ آبان ۱۳۶۰ آراء موافق اکثریت نمایندگان مجلس را کسب کند [۲۱۱].

آیت‌الله خامنه‌ای ریاست جمهوری خود را در حالی آغاز کرد که نهاد ریاست جمهوری از ساختار مناسبی برخوردار نبود. گروههای مشاور و کارگروهها برای کمک به رئیس‌جمهور در انجام وظایف قانونی نیز هنوز تشکیل نشده بود و این امر مشکلات فراوانی را برای عملکرد رئیس‌جمهور پدید می‌آورد. به تدریج، دفتر ریاست جمهوری با چندین مشاور و کارگروه شکل گرفت [۲۱۲]. آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدا بخشی از تلاشهای خود را معطوف ساختارسازی برای دفتر رئیس‌جمهور و نهاد ریاست جمهوری کرد. بعدها در پی ابهام در شرح وظایف رئیس‌جمهور که کاستی آن به‌ویژه در تعامل با نخست‌وزیر در طول دوره اول آشکار شده بود، قانون اختیارات رئیس‌جمهور تهیه و تدوین شد و در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید [۲۱۳].

سرفصل برنامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در دوره‌ی چهارساله‌ی اول ریاست جمهوری عبارت از: اهتمام به امور مربوط به جنگ تحمیلی، نیل به سیاست‌های اقتصادی به سوی حمایت از مستضعفان و دورافتادگان از مرکز، طاغوت‌زدایی از همه‌ی شئون زندگی اداری، اجتماعی و سیاسی مردم ایران، کشف و به کارگیری استعدادهای انسانی در همه‌ی عرصه‌ها از تکنیک تا هنر، تأمین امنیت اجتماعی، اداری و قضایی برای ارائه‌ی خدمت مؤثر به مردم، تأمین امنیت و آزادی همه‌ی افراد وفادار به نظام جمهوری اسلامی با هر اندیشه و تفکر [۲۱۴]. در دوره‌ی چهارساله‌ی دوم نیز ضمن ادامه‌ی برنامه‌های دوره‌ی اول که در رأس آنها جنگ تحمیلی قرار داشت، تدوین لایحه‌ی اختیارات ریاست جمهوری، کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به مردم، به کار گماردن مسئولین لایق، انقلابی و کارآمد در دولت، رفع فقر مزمن و طولانی‌مدت حاکم بر جامعه و زندگی مردم، واگذاری زمینهای کشاورزی به مردم، واگذاری صنایع دولتی به بخش



تعاونی، سهیم شدن کارگران در کارخانه‌ها، گسترش و توسعه‌ی صادرات غیرنفتی و کاهش اتکای کشور به درآمد نفت، مشارکت مردم در امور اقتصادی و فرهنگی کشور با نظارت دولت، سوق دادن سیاست فرهنگی کشور به سوی استقلال فرهنگی از اهم برنامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای بود [۲۱۵].

در عرصه‌ی سیاست و روابط خارجی برنامه‌ی ایشان شامل اتخاذ سیاست مستقل و متوازن در قبال هر یک از کشورهای جهان و تصمیم‌گیری بر مبنای مصالح نظام و کشور همراه با قاطعیت و صراحت، عدم وابستگی به شرق و غرب [۲۱۶]، اهمیت دادن به وحدت میان مسلمانان جهان، اهتمام جدی در بازپس گرفتن حقوق مسلمانان جهان از قدرتهای جهانی و مبارزه‌ی مستمر با هرگونه اقدام و حرکتی در جهت سلطه‌ی ابرقدرتها در منطقه، اهتمام جدی به مسئله‌ی قدس و دیگر سرزمینهای غصب‌شده‌ی فلسطین و آمادگی برای مبارزه‌ی همه‌جانبه با دشمن صهیونیست، بازگشت به فرهنگ غنی و اصیل اسلامی در عرصه‌ی بین‌المللی به عنوان سد راه دشمنان و غارتگران، افزایش فعالیت و حضور مؤثر در صحنه‌های بین‌المللی بود [۲۱۷].

دوره‌ی دوم ریاست جمهوری

باتوجه به تجربه مشکلات و اختلاف‌نظرها با نخست‌وزیر و برخی اعضای هیئت دولت در چهار ساله اول ریاست جمهوری مایل نبود برای دومین بار در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند اما پس از آنکه امام خمینی آن را تکلیف شرعی ایشان دانستند، تصمیم گرفت که در انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری نامزد شود و از امام خواست که در انتخاب نخست‌وزیر مختار باشد و امام هم پذیرفت [۲۱۸].

پس از انتخاب مجدد به عنوان رئیس‌جمهور، و در آستانه‌ی انتخاب نخست‌وزیر آنگاه که معلوم شد آیت‌الله خامنه‌ای به سبب عدم رضایت از وضعیت اداره کشور توسط نخست‌وزیر در صدد معرفی فرد دیگری برای نخست‌وزیری است برخی نظامی‌ها نزد امام ابراز کردند که پیشرفت در جبهه‌های جنگ منوط به نخست‌وزیری دوباره مهندس موسوی است. امام خمینی به جهت مصلحت جنگ این نظر را پذیرفتند و به آیت‌الله خامنه‌ای حکم کردند که مهندس موسوی را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کند.

آیت‌الله خامنه‌ای در اطاعت از حکم امام و علیرغم نظر مخالف خود، وی را به مجلس معرفی کرد [۲۱۹].



در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای اختلافات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ادامه یافت و در مواردی مانند معرفی اعضای کابینه، تشدید هم شد.

۱.۳.۳. فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در دوران ریاست جمهوری

ترمیم تشکیلات انقلاب فرهنگی

در ۸ شهریور ۱۳۶۲ آیت‌الله خامنه‌ای، اولین ترمیم عمده در ستاد انقلاب فرهنگی را براساس حکم امام خمینی عهده‌دار شد. امام این حکم را در پاسخ به استعلام ایشان به مناسبت بازگشایی دانشگاهها صادر کرد [۲۲۰]. همچنین، دومین ترمیم در ستاد انقلاب فرهنگی را براساس پیام امام خمینی در ۱۹ آذر ۱۳۶۳، صورت داد [۲۲۱]. در این ترمیم، ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد و رئیس‌جمهور رئیس این شورا شد [۲۲۲]. آیت‌الله خامنه‌ای این سمت را تا پایان دومین دوره‌ی ریاست جمهوری خود در تیر ۱۳۶۸ عهده‌دار بود و در این سالها در تدوین سیاستهای مهم فرهنگی کشور نقش مؤثری ایفا نمود [۲۲۳].

فعال کردن دستگاه سیاست خارجی

در دوران هشت ساله‌ی ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی ایران فعالیت‌های خود را از شاخصهای توسعه‌ی سیاست و روابط خارجی، سفرهای رئیس‌جمهور به کشورهای مختلف برای توسعه روابط بود که در دوره‌ی اول ریاست جمهوری شروع شد و در دوره‌ی دوم توسعه یافت [۲۲۴]. ایشان در دوره‌ی اول ریاست جمهوری از ۱۵ تا ۲۰ شهریور ۱۳۶۳ به کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر و در دوره‌ی دوم از ۲۳ دی تا ۳ بهمن ۱۳۶۴ به کشورهای آسیایی و آفریقایی پاکستان، تانزانیا، زیمبابوه، آنگولا و موزامبیک سفر نمود. از ۱۱ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۵ برای شرکت در هشتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در هراره مجدداً به زیمبابوه سفر کرد. در این سفر در اجلاس سران سخنرانی کرد و با برخی از سران کشورهای غیرمتعهد دیدار و گفت‌وگو نمود [۲۲۵]. از ۲ تا ۶ اسفند ۱۳۶۷ به کشورهای یوگسلاوی و رومانی [۲۲۶] و از ۱۹ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ به کشورهای چین و کره شمالی سفر کرد [۲۲۷].



آیت‌الله خامنه‌ای در ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کرد و در سخنرانی خود دیدگاه‌ها و مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران را برای سران دولتهای جهان تشریح نمود. این اولین حضور رئیس‌جمهور اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود [۲۲۸]. نکته‌ی حائز اهمیت در سفر به سازمان ملل، استقبال عظیم ایرانیان و مسلمانان مقیم نیویورک و اصحاب مطبوعات بین‌المللی از ایشان و فعالیتهای ایشان برای تبیین شرایط انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و سیاستهای استکبار جهانی در قبال ایران بود. امامت نماز جمعه‌ی مسلمانان نیویورک و سخنرانی در خطبه‌های آن نیز از نکات جالب و با اهمیت این سفر بود.

از اقدامات دیگر آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه‌ی سیاست خارجی می‌توان به برقراری ارتباط منسجم با گروههای سیاسی شیعی در افغانستان، عراق و لبنان و ایجاد تفاهم بین آنها و تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اشاره کرد. به طوری که اختلاف بین آنها را به وحدت و اتحاد بر ضد دشمن مشترکشان تبدیل کرد. تشکیل حزب وحدت اسلامی از احزاب هشت‌گانه افغانستان که به رقابت زیان‌بار آنها پایان داد و نیز تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق از مصداق‌های مهم این رویکرد است. در این دوره، به دامن‌های حمایت ایران از مبارزان اسلامی در لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان افزوده شد و پشتیبانی ایران به احزاب و گروههای اسلامی در آن کشورها جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی قابل ملاحظه‌ای بخشید.

بازدیدها، دیدار و سفرهای استانی

دیدار با اقشار مختلف مردم، بازدید از مؤسسات و سازمانهای گوناگون، شرکت در مراسم افتتاح طرحها، شرکت در همایشها و سفرهای استانی از دیگر برنامه‌ها و اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای در دوره ریاست جمهوری بود. حفظ ارتباط با مردم به ویژه خانواده‌های شهدا از راهبردهای اساسی آیت‌الله خامنه‌ای در دوره ریاست جمهوری بود. بر این پایه ملاقات‌های مردمی، در مناسبت‌های مختلف، در دیدارهای با خانواده‌های شهدا، خصوصاً سرزدن به منازل آنان به عنوان یکی از برنامه‌های ثابت ایشان و ابتکار قابل توجه در نوع رابطه زمامداران و مردم محسوب می‌شود. همچنین، سفرهای آیت‌الله خامنه‌ای به استانها و مناطق مختلف کشور، با هدف ملاقات با اقشار مختلف مردم، به ویژه قشر محروم و آشنایی با مسائل



و مشکلات آنها از نزدیک، رفع اختلافات مقامات محلی، پیگیری مسائل مربوط به جنگ و همکاری سپاه و ارتش، دیدار با علما و بزرگان شهرها و روستاها، بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی و مانند آن از جمله ابتکارات، فعالیتهای مستمر و مؤثر ایشان بود.

نامه امام خمینی به آیت الله خامنه‌ای

در ۱۶ دی ۱۳۶۶، امام خمینی در نامه‌ای به آیت الله خامنه‌ای و ناظر به بیانات ایشان در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در موضوع حدود اختیارات حکومت اسلامی و ولایت فقیه، حکومت اسلامی را از احکام اولیه‌ی اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعیه دانسته و ولایت فقیه را مطلقه عنوان نمود. آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به نامه‌ی امام، متابعت نظری و عملی خود را از دیدگاه امام اعلام نمود. همچنین در جلسه‌ای حضوری، مقصود خود از بیانات در خطبه‌های نماز جمعه را با امام خمینی مطرح کردند. امام خمینی نیز بلافاصله در همان روز به این نامه پاسخ داده و ضمن تقدیر از آیت الله خامنه‌ای، در بخشی از آن نوشتند: «اینجانب از سال‌های قبل از انقلاب با جناب عالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط بحمدالله تعالی تاکنون باقی است، جناب عالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری که آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانبداری می‌کنید، می‌دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید» [۲۲۹].

اولین رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

در پی اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در تصویب لوایح مختلف، امام خمینی در پاسخ به نامه‌ی سران کشور (از جمله آیت الله خامنه‌ای)، در ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت موافقت کردند [۲۳۰]. بر این اساس، آیت الله خامنه‌ای اولین رئیس مجمع تشخیص قرار گرفتند [۲۳۱]. ایشان این سمت را تا پایان دوره ریاست جمهوری عهده‌دار بود [۲۳۲].



محول شدن مأموریت‌های متعدد از سوی امام

آیت‌الله خامنه‌ای در دوران هشت‌ساله‌ی ریاست جمهوری خود، همچون سالهای پس از پیروزی انقلاب یکی از نزدیکان، مشاوران و افراد مورد وثوق امام خمینی بود. به همین دلیل در موارد متعددی امام خمینی مأموریت‌هایی فراتر از وظایف ریاست جمهوری به ایشان محول نمودند و یا پیشنهادهای وی را در موضوعات مختلف پذیرفتند. در ۱۵ فروردین ۱۳۶۲ تمشیت امور ارتش و سپاه را به آیت‌الله خامنه‌ای واگذار کردند [۲۳۳]. در اول آبان ۱۳۶۲ ایشان را مأمور پیگیری مطالبات ایران از امریکا و سایر کشورها کرد [۲۳۴]. در اول آذر همین سال با پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای در مورد تشکیل اداره‌ی حفاظت اطلاعات ارتش موافقت نمود [۲۳۵]. در ۹ دی ۱۳۶۲ ایشان را مأمور بررسی مجدد لایحه‌ی تعریضات کرد [۲۳۶]. امام در ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ آیت‌الله خامنه‌ای را مأمور نمود از اعضای شورای عالی قضایی دعوت کند تا در جلسه‌ی سران سه‌قوه شرکت کرده و طرحهای خود را در زمینه‌ی تقسیم کار برای اداره‌ی بهتر آن شورا مطرح نمایند [۲۳۷]. در نهایت نیز با طرح مورد بررسی در جلسه‌ی سران سه‌قوه موافقت نمود [۲۳۸]. در ۱۹ اسفند ۱۳۶۷ نیز در نامه‌ای او را مسئول رسیدگی به مشکلات عراقیهای مقیم ایران کرد [۲۳۹].

حضور در شورای بازنگری قانون اساسی

امام خمینی در حکمی در ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ خطاب به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هیئتی متشکل از بیست نفر از جمله آیت‌الله خامنه‌ای را تعیین نمودند تا به همراه پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس شورای اسلامی، شورای بازنگری قانون اساسی را تشکیل داده و به اصلاح، بازنگری و تکمیل قانون اساسی در موضوعات پنج‌گانه بپردازند [۲۴۰]. پس از تشکیل شورای مذکور آیت‌الله مشکینی به عنوان رئیس و آیت‌الله خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان نایب رئیس اول و دوم شورا انتخاب شدند [۲۴۱]. شورا در طول چهل و یک جلسه در مورد پنج موضوع اصلی: شرایط رهبری، تمرکز در قوای مجریه و قضائیه، تمرکز در مدیریت صدا و سیما، چگونگی بازنگری احتمالی قانون اساسی در آینده و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی بحث و بررسی و تصمیم‌گیری نمود [۲۴۲]. این جلسات تا پس از رحلت امام خمینی ادامه داشت.



در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، در حالی که مردم و مسئولان آماده‌ی تشییع و تدفین پیکر پاک امام خمینی (ره) بودند در جلسه‌ای با حضور مسؤولان کشوری و لشکری، آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، وصیت‌نامه‌ی سیاسی-الهی امام خمینی (ره) را قرائت کرد. مجلس خبرگان رهبری عصر همان روز تشکیل جلسه داد تا رهبر یا شورای رهبری جدید برای نظام جمهوری اسلامی را انتخاب کند. مطابق اصل ۱۰۷ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، انتخاب رهبری بر عهده نمایندگان مجلس خبرگان قرار دارد [۲۴۳]. در بحث رهبری شورایی یا فردی، اکثریت اعضای مجلس خبرگان به رهبری شورایی رأی نداد و آنگاه که بحث از مصداق رهبری برای رأی‌گیری به میان آمد و نام آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد. برخی از نمایندگان که از نظر امام خمینی مبنی بر صلاحیت آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری نظام پس از رحلت امام که در جلسات متعددی در حضور سران قوا و نخست‌وزیر و حاج سید احمد خمینی ابراز کرده بودند اطلاع اجمالی داشتند خواستار توضیح شاهدان آن شدند. دو نفر از شاهدان نقل امام خمینی که خود عضو مجلس خبرگان بودند استناد این نظر به امام را تأیید کردند. همچنین گفته دیگری از امام مبنی بر شایستگی آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری که در جریان سفر اخیر ایشان به چین و کره شمالی ابراز کرده بودند نیز در آن جلسه با واسطه نقل شد. در پی آن رأی‌گیری به عمل آمد و اکثریت قاطع نمایندگان مجلس خبرگان با توجه به نظر امام راحل و صلاحیت‌های دینی، علمی و سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، معظم‌له را به رهبری نظام جمهوری اسلامی انتخاب کردند. [۲۴۴] آیت‌الله خامنه‌ای خود به این موضوع اشاره کرده، می‌گویند تا زمانی که موضوع انتخاب را متعین ندانستم از پذیرش آن مقام امتناع می‌کردم [۲۴۵]. پس از بازنگری در قانون اساسی و انجام همه‌پرسی، مجلس خبرگان رهبری یک بار دیگر براسا قانون اساسی جدید در مورد رهبری معظم‌له رأی‌گیری کرد و اکثریت قاطع مجدداً معظم‌له را به رهبری نظام انتخاب کردند.

برخی زمینه‌های اصلی نظر امام راحل بر رهبری آیت‌الله خامنه‌ای عبارتند از: مبارزه طولانی مدت برای تحقق حکومت اسلامی، اعتقاد راسخ و روشن به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، بیش از یک



دهه فعالیت‌های همه‌جانبه‌ی سیاسی، اجرایی و فرهنگی برای استقرار نظام جمهوری اسلامی، روشن‌بینی دینی، تسلط علمی بر مبانی دینی، سلوک فردی و اجتماعی، زهد و پارسایی، استناد نمود. امام خمینی (ره) به مناسبت‌های گوناگون شایستگی‌ها، تعهد و خدمتگزاری آیت‌الله خامنه‌ای در راه خدمت به نظام جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار داده بودند.

امام خمینی تاریخ ۷ تیر ۱۳۶۰ در بخشی از پیام‌شان به مناسبت ترور آیت‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند: «اکنون دشمنان انقلاب با سوء قصد به شما که از سلاله‌ی رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه‌ی جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه‌ی انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرف‌داری از خلق و مخالف با ستمگران را به ثبت رساندید. اینان با سوء قصد به شما عواطف میلیون‌ها انسان متعهد را در سراسر کشور بلکه جهان جریحه‌دار نمودند. اینان آن قدر از بینش سیاسی بی‌نصیب‌اند که بی‌درنگ پس از سخنان شما در مجلس و جمعه و پیشگاه ملت به این جنایت دست زدند و به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین جهان طنین‌انداز است ... من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه‌ی خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم» [۲۴۶]. در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۶۵ به افراد و رجال سیاسی توصیه کردند که در گفتارشان به جای عیب‌جویی دائمی، مثل آیت‌الله خامنه‌ای باشند که همیشه همه را نصیحت می‌کند و خدماتش را به رخ مردم نمی‌کشد [۲۴۷]. در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۶۶ در پاسخ به نامه آیت‌الله خامنه‌ای در مورد ولایت مطلقه فقیه، در بخشی از نامه نوشتند: «اینجانب که از سال‌های قبل از انقلاب با جناب عالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط بحمدالله تعالی تاکنون باقی است، جناب عالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانب‌داری می‌کنید، می‌دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید» [۲۴۸].



حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی، نزدیکترین فرد به امام خمینی که مشاور و مورد وثوق کامل ایشان بود، نقل کرده که امام در پی سفر خارجی آیت الله خامنه‌ای گفتند: «الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند» [۲۴۹]. زهرا مصطفوی، دختر امام خمینی (ره) بیان کرده که آنگاه که از امام درباره‌ی رهبری آینده نظام پرسیده است ایشان از آیت الله خامنه‌ای نام بردند و آنگاه که از مقام علمی آیت الله خامنه‌ای سؤال کرده است ایشان اجتهاد آیت الله خامنه‌ای را تأیید کرده‌اند [۲۵۰]. آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز نقل کرده که زمانی که امام در صدد عزل آیت الله منتظری از رهبری آینده بودند در جلسه‌ای که با حضور سران سه قوه، نخست‌وزیر (میرحسین موسوی) و حاج سید احمد خمینی در محضر امام تشکیل شده بود در مورد جانشین رهبری بحث شد ایشان از آیت الله خامنه‌ای برای رهبری آینده نظام نام بردند. وی همچنین بیان داشته که در جلسه خصوصی خود با امام راحل نسبت به وضع رهبری در آینده ابراز نگرانی کرده است و امام در پاسخ با اشاره به آیت الله خامنه‌ای فرموده‌اند: «شما در بن بست نخواهید بود، چنین فردی در میان شما هست. چرا خودتان نمی‌دانید؟» [۲۵۱].

بدون تردید مقطع زمانی انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به رهبری نظام دارای اهمیت و حساسیت ویژه‌ای بوده است. برخی نگرانی‌ها که در پی بیماری امام خمینی قدس سره بوجود آمده بود عبارت بودند از:

- ۱- مدیریت کشور در دوره‌ی پس از امام خمینی [۲۵۲].
- ۲- ناتمام بودن اصلاح و بازنگری قانون اساسی
- ۳- نگرانی از حمله یا تحریکات نظامی عراق، امریکا و منافقین؛ با توجه به نقض مکرر آتش بس توسط عراق و تبلیغات وسیع برای پیروز قلمداد کردن خود در جنگ.
- ۴- ادامه‌ی بحران ناشی از توطئه‌ی انتشار کتاب آیات شیطانی در حوزه‌ی سیاست خارجی و صدور حکم امام خمینی مبنی بر ارتداد سلمان رشدی نویسنده‌ی آنکه با واکنش سرسختانه‌ی کشورهای غربی مواجه شد [۲۵۳]



اما آنچه همه نگرانی‌ها را به امید تبدیل کرد عبارت بودند از:

۱- انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به مقام رهبری که در کوتاه‌ترین زمان روی داد.

۲- تشیع و وداع میلیونی و بی‌نظیر مردم با امام خمینی (ره) و شکل گرفتن بزرگ‌ترین تشیع و وداع با یک رهبر مردمی که همچون طوفان عظیمی احتمال هرگون توطئه دشمن را منتفی کرد.

۳- تأیید و بیعت مسؤولان ارشد نظام و نهادهای مختلف کشور، بیت امام، مراجع تقلید و علما از جمله آیات عظام اراکی، مرعشی نجفی، آیت‌الله میرزا هاشم آملی، آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله مشکینی، نخبگان، شخصیت‌های حوزوی و دانشگاهی، خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم

۴. حاج سیداحمد خمینی ساعاتی پس از انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری با ارسال پیام تبریکی به ایشان اظهار داشت: «حضرت امام بارها از جنابعالی به عنوان مجتهد مسلم و نیز بهترین فرد برای رهبری نظام اسلامی مان نام می‌بردند. من و تمامی اعضای بیت امام از حضرات آیات خبرگان محترم صمیمانه تشکر می‌نمایم؛ چرا که معتقدیم روح امام عزیزمان از این انتخاب شاد و آرام شده است. من بار دیگر چون برادری کوچک او امر آن ولی فقیه را بر خود لازم‌الاجرا می‌دانم» [۲۵۵].

۵- بیعت وسیع و گسترده این پیام را به همراه خود داشت که جانشین امام خمینی، در حوزه‌ی نظر و عمل، اعتقاد راسخ به راه و تفکر امام دارد و آن را با تمام توان استمرار خواهد بخشید. این بیعت‌ها به صورت حضوری، شرکت در راهپیمایی‌ها، انتشار اطلاعیه و پیام تبریک و امضای طومار ما بعد آن انجام شد [۲۵۶]. «کاروانهای میثاق با امام و بیعت با رهبری» در آستانه‌ی چهلمین روز ارتحال امام خمینی از سراسر کشور به راه افتاد [۲۵۷] و «مانورهای بیعت با رهبری» در برخی مناطق مرزی و استراتژیک کشور [۲۵۸] و نیز برگزاری «سمینارهای میثاق با امام، بیعت با رهبری» شکل گرفت [۲۵۹]. بیعت با آیت‌الله خامنه‌ای، ماه‌ها بعد استمرار یافت و به جهانیان ثابت کرد که ایران با رهبری آیت‌الله خامنه‌ای همچنان پرچمدار امت اسلامی است.

۶- مواضع صریح و مکرر آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر تداوم راه امام و حفظ وحدت و ایجاد اعتماد متقابل بین مردم و رهبری و پافشاری بر حفظ اصول دینی، شرع و فقه اسلامی، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان و محرومان و قشرهای پایین جامعه و ایجاد وحدت و همبستگی با ملتهای مظلوم و عزت بخشیدن به



اسلام و ملت‌های مسلمان و مرعوب نشدن از تهدیدات قدرتهای جهانی. آیت‌الله خامنه‌ای از امام خمینی به عنوان «ریشه‌ی شجره‌ی طوبه‌ی انقلاب» یاد کردند و اعلام کردند: ما راه خود را بر اساس راه امام (ره) ادامه خواهیم داد» [۲۶۰]

منابع و مآخذ:

[۱] آقابزرگ طهرانی، ۶۴۰/۲

[۲] گلشن ابرار، ۹۷۱/۲

[۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، مصاحبه با آیت‌الله خامنه‌ای، ش ب ۱۳۲۵

[۴] آقابزرگ طهرانی، ۶۴۰/۲

[۵] کسروی، ۹۲

[۶] بهبودی، ۱۲

[۷] آقابزرگ طهرانی، ۱۳/۶ مقدمه

[۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۳۲۵

[۹] شریف رازی، ۱۲۷/۷ - ۱۲۹؛ زنگنه قاسم‌آبادی، ۱۳۲/۸

[۱۰] همو، ۳؛ شریف رازی، ۱۲۷/۷؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۳۲۵

[۱۱] بهبودی، ۱۵

[۱۲] زنگنه قاسم‌آبادی، ۷۷/۸

[۱۳] گلشن ابرار، ۹۷۲/۲

[۱۴] زنگنه قاسم‌آبادی، ۷۷/۸

[۱۵] صحیفه‌ی امام، ۷۱/۲۰

[۱۶] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۱۳۲۶

[۱۷] آقابزرگ طهرانی، ۵۵۹/۲

[۱۸] تاریخ علمای خراسان، ۳۰۸؛ قاسم‌پور، ۶۰



[۱۹] زنگنه قاسم آبادی، ۴۵۸ / ۸

[۲۰] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۲۵

[۲۱] بهبودی، ۴۹

[۲۲] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۲۶

[۲۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۲۶

[۲۴] بهبودی، ۷۸

[۲۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۳۲

[۲۶] همان، ش ب ۱۲۲۷

[۲۷] همان، ش ب ۱۲۲۸

[۲۸] حسینی، طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی، اکثر صفحات

[۲۹] تداوم آفتاب، ۲۱

[۳۰] همان، ش ب ۱۲۲۸

[۳۱] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۲۶

[۳۲] همان، ش ب ۱۲۲۸

[۳۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۱۹

[۳۴] جلالی، مشهد در بامداد نهضت اسلامی، ۱۴۸

[۳۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، مصاحبه با آیت‌الله خامنه‌ای، ش ب ۱۲۲۹ و ۱۲۳۱

[۳۶] باقری، ۱۲-۱۳

[۳۷] بهبودی، ۱۲۹-۱۳۴

[۳۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۶۱۴ و ۱۲۳۱ و ۱۳۳۲

[۳۹] همان، ش ب ۱۲۳۳

[۴۰] جلالی، ۲۰۵

[۴۱] بهبودی، ۱۵۶-۱۵۷



[۴۲] یاران امام ...، طالقانی، ۴۶۸/۱

[۴۳] امام خمینی در آیینہ‌ی اسناد، ۳۹۲/۴

[۴۴] بهبودی، ۱۶۶-۱۶۲

[۴۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، مصاحبه با آیت‌الله خامنه‌ای، ش ب ۱۲۳۴

[۴۶] بهبودی، ۱۸۷

[۴۷] همان، ۱۹۵-۱۹۲

[۴۸] اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۰-۱۲۸ /۳

[۴۹] هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ۱۵۶۶/۲

[۵۰] آینده در قلمرو اسلام، همه‌ی صفحات

[۵۱] بهبودی، ۲۳۸-۲۳۵

[۵۲] یاران امام ...، میلانی، ۷-۵/۳

[۵۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۶۱۴

[۵۴] همان، ش ب ۵۷۴

[۵۵] یادداشت‌های روزانه‌ی مهندس مهدی بازرگان، ۴۲۳ - ۴۲۲

[۵۶] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۶۱۴

[۵۷] بهبودی، ۳۰۴

[۵۸] یاران امام ... هاشمی‌نژاد، ۲۴۹-۲۴۸

[۵۹] یاران امام ... سعیدی، ۲۴۸؛ همان، طالقانی، ۴۹۷/۲؛ همان، مهدوی کنی، ۱۴؛ همان، فضل‌الله

محلاتی، ۵۲۱/۱؛ همان، باهنر، ۳۵۵

[۶۰] یاران امام ... سعیدی، ۳۶۳؛ یاران امام ... مهدوی کنی، ۱۱۴

[۶۱] بهبودی، ۳۲۷ - ۳۲۶

[۶۲] بهبودی، ۴۷۱-۴۷۰ و ۳۳۲-۳۳۱

[۶۳] جودکی، ۲۳؛ یاران امام ... هاشمی‌نژاد، ۳۰۷-۳۰۶



[۶۴] فارسی، ۲۱۵

[۶۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۳۰؛ همان، ش ب ۱۸۳؛ یاران امام ... سعیدی، ۳۲/۱

[۶۶] یاران امام ... میلانی، ۴۲۳/۳-۴۲۴

[۶۷] تقویم تاریخ خراسان، ۲۲۵

[۶۸] یاران امام ... محلاتی، ۷۳/۲

[۶۹] یاران امام ... باهنر، ۵۲۰-۵۲۱؛ هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ۱۱۳۴/۲-۱۱۳۵

[۷۰] صحیفه‌ی امام، ۳۷۳-۳۵۸/۲

[۷۱] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۳؛ همان، ش ب ۶۱۴

[۷۲] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۶۱۴

[۷۳] استاد شهید ...، ۲۱۸؛ یاران امام ... میلانی، ۵۹۰/۳

[۷۴] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۲؛ همان، ش ب ۶۱۴

[۷۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۶۱۴؛ همان، ش ب ۵۷۳؛ همان، ش ب ۵۷۲

[۷۶] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۶۱۴

[۷۷] یاران امام، مطهری، ۴۵۵؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۳

[۷۸] نیکبخت، زندگی و مبارزات ...مفتح، ۴۰۸

[۷۹] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۵۷۳

[۸۰] همان، ش ب ۵۷۴؛ همان ۶۱۴؛ همان، ش ب ۵۷۲

[۸۱] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۵

[۸۲] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۵۷۵؛ همان، ش ب ۳۸۹؛ همان، ش ب ۳۰۴

[۸۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۶؛ همان، ش ب ۵۷۲

[۸۴] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۳۸۹

[۸۵] گفت‌وگوی چهارجانبه، همه‌ی صفحات

[۸۶] یاران امام ... مفتح، ۳۴۰؛ استاد شهید ...، ۲۷۷



- [۸۷] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۸۳
- [۸۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۲؛ همان، ش ب ۳۸۹
- [۸۹] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۲
- [۹۰] امام خمینی در آئینه‌ی اسناد، ۵۲/۶
- [۹۱] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۵۷۶
- [۹۲] انقلاب اسلامی به روایت، ۲۶۳/۱؛ مرکز اسناد، ۶۸۷، ۸۰-۸۱؛ یاران امام ... مطهری، ۵۷۵
- [۹۳] انقلاب اسلامی به روایت، ۳۲۶ /۲؛ همان، ۵۱/۱۰
- [۹۴] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۶؛ اسناد نهضت آزادی ایران، ۲۳۴/۹-۲۳۵
- [۹۵] یاران امام ... صدوقی، ۱۲۸-۱۳۱
- [۹۶] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۶
- [۹۷] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۶
- [۹۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۵۷۶
- [۹۹] همان، ۱۰۲
- [۱۰۰] همان، ۱۱۱
- [۱۰۱] اسناد انقلاب اسلامی، ۳/ ۳۴۸-۳۵۷
- [۱۰۲] مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۸۸۹
- [۱۰۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۵۷۶
- [۱۰۴] اسناد انقلاب اسلامی، ۳/۴۰۲؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۲۰۹
- [۱۰۵] انقلاب اسلامی به روایت، ۱۹۲/۱۴ و ۴۷۲
- [۱۰۶] امام خمینی در آئینه‌ی اسناد، ۶۰۳/۷؛ یاران امام ... صدوقی، ۴۳۱
- [۱۰۷] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۳۸۹؛ همان، ش ب ۵۷۲
- [۱۰۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۳۸۹
- [۱۰۹] همان، ۵۷۲؛ مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی، ش ب ۱۹۲۱



[۱۱۰] روزشمار انقلاب اسلامی، ۳۳۹/۸، ۳۵۲

[۱۱۱] انقلاب اسلامی به روایت، ۳۳/۲۰

[۱۱۲] شمس آبادی، ۳۱۵-۳۱۶

[۱۱۳] اسناد انقلاب اسلامی، ۴۹۲/۳-۴۹۳

[۱۱۴] انقلاب اسلامی به روایت، ۱۸۸/۲۱ و ۱۲۳-۱۲۴

[۱۱۵] شمس آبادی، ۳۲۵-۳۲۸

[۱۱۶] روزشمار انقلاب اسلامی، ۲۱۶/۱۰-۲۱۷

[۱۱۷] صحیفه ی امام، ۴۲۶/۵-۴۲۸.

[۱۱۸] او به تنهایی، ۶۳؛ حدیث ولایت، ۴۰/۲

[۱۱۹] قاسم پور، ۹۲-۹۴

[۱۲۰] هاشمی رفسنجانی، انقلاب و پیروزی، ۱۶۱-۱۶۲؛ اطلاعات، ش ۵۷۷۱، ۱۳۵۷/۱۱/۹

[۱۲۱] مصاحبه های ... ۱۳۶۲-۱۳۶۳، ۱۸۲-۱۸۳

[۱۲۲] اسناد انقلاب اسلامی، ۷۱۴/۴

[۱۲۳] پا به پای آفتاب، ۱۹۵/۲

[۱۲۴] قصه ی آفتاب، ۹۵

[۱۲۵] صحیفه امام، ۴۲۶/۵-۴۲۸.

[۱۲۶] خاطرات آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، ۱۸۳

[۱۲۷] پا به پای آفتاب، ۱۹۲/۲

[۱۲۸] قاسم پور، ۹۲-۹۴

[۱۲۹] هاشمی رفسنجانی، انقلاب و پیروزی، ۱۶۹

[۱۳۰] سائلی کرده ده، ۱۱

[۱۳۱] همان، ۴۹-۶۲

[۱۳۲] خلاصه ی مشروح مذاکرات شورای انقلاب، جلسه های مختلف



[۱۳۳] همان، جلسه‌ی ۱۳۵۷/۱۲/۱۰

[۱۳۴] همان، جلسه‌های ۱۳۵۷/۱۲/۲۹؛ ۱۳۵۸/۶/۴؛ ۱۳۵۸/۷/۱۵ و ۱۳۵۸/۹/۲

[۱۳۵] همان، جلسه‌های ۱۳۵۸/۱/۱۵؛ ۱۳۵۸/۱/۱۹؛ ۱۳۵۸/۶/۱۱؛ ۱۳۵۸/۸/۲۸؛ ۱۳۵۸/۱۰/۶ و ۱۳۵۸/۱۰/۸

[۱۳۶] صحیفه‌ی امام، ۴۲۹/۶

[۱۳۷] همان، جلسه‌های ۱۳۵۸/۴/۱۰؛ ۱۳۵۸/۶/۱۴ و ۱۳۵۸/۹/۴

[۱۳۸] دولتهای ایران، ۴۵۷ و ۴۵۹

[۱۳۹] سائلی کرده‌ده، ۱۱۷-۱۱۸

[۱۴۰] خلاصه مشروح مذاکرات شورای انقلاب، جلسه‌ی ۱۳۵۸/۹/۳

[۱۴۱] رسالت، ش ۹۹۷، ۱۰

[۱۴۲] هاشمی رفسنجانی، انقلاب و پیروزی، ۴۴۹

[۱۴۳] هاشمی رفسنجانی، انقلاب و پیروزی، ۱۲۵

[۱۴۴] همان، ۲۱۵-۲۱۸

[۱۴۵] جاسبی، ۱۴۹/۴

[۱۴۶] جاسبی، ۱۴۶/۴-۱۴۷

[۱۴۷] کارنامه‌ی چهار ساله‌ی، ۴-۷

[۱۴۸] جاسبی، ۱۴۶/۴

[۱۴۹] هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، ۲۶۳

[۱۵۰] هاشمی رفسنجانی، آرامش و چالش، ۲۶۷

[۱۵۱] خاطرات سیدمرتضی نبوی، ۱۶۸

[۱۵۲] جاسبی، ۳۰۰/۴

[۱۵۳] جمهوری اسلامی، ش ۱۵۴۱، ۱۵؛ همان، ش ۱۵۴۳، ۲

[۱۵۴] فراز و نشیب حزب جمهوری اسلامی، ۱۱

[۱۵۵] جمهوری اسلامی، ش ۲۳۲۰، ۱



[۱۵۶] صحیفه‌ی امام، ۲۷۵/۲۰

[۱۵۷] صحیفه‌ی امام، ۱۱۶/۱۲

[۱۵۸] در مکتب جمعه....، ۳-۱/۲

[۱۵۹] در مکتب جمعه، ۲ و ۳، صفحات مختلف

[۱۶۰] فرهنگ و ته‌اجم فرهنگی، ۳۱۱

[۱۶۱] رضوی، ۳۸۴

[۱۶۲] آشنایی با مجلس، ۹۰-۹۱

[۱۶۳] همان، جلسه‌های ۱۶۶، ۱۶۷ و ۱۶۸

[۱۶۴] خاطرات ماندگار، ۱۲

[۱۶۵] خاطرات ماندگار، ۱۱

[۱۶۶] اطلاعات، ش ۲۱۸۸۹، ۹

[۱۶۷] جمهوری اسلامی، ش ۳۸۷، ۱

[۱۶۸] مجموعه مصاحبه‌های...در سال ۱۳۶۰، ۷ - ۸

[۱۶۹] امید انقلاب، ش ۱۴۷، ۸-۹

[۱۷۰] خاطرات و حکایتها، ۲۰۷/۱۰

[۱۷۱] کیهان، ش ۱۱۱۵۵، ۴

[۱۷۲] صحیفه امام، ۲۶۳/۱۳، ۲۶۴

[۱۷۳] همان، ۲۸۱/۱۲

[۱۷۴] جمهوری اسلامی، ش ۴۰۹، ۶

[۱۷۵] بنی لوحی و، ۱۷۲-۱۷۳

[۱۷۶] جمهوری اسلامی، ش ۴۰۹، ۶

[۱۷۷] از جنوب لبنان، ۱۷۴؛ اطلاعات، ش ۱۹۱۵۳، ۵

[۱۷۸] مصاحبه‌ها ... سال ۱۳۶۰، ۵۹



- [۱۷۹] در مکتب جمعه....، ۵۹/۸/۹
- [۱۸۰] جمهوری اسلامی، ش ۵۰۹، ۲
- [۱۸۱] همان، ش ۲۰۸۸، ۲
- [۱۸۲] صحیفه‌ی امام، ۴۶۷/۲۰
- [۱۸۳] درودیان، ۱۶۳
- [۱۸۴] صحیفه امام، ۹۵-۹۲/۲۰
- [۱۸۵] ولایتی، ۲۷۹-۲۷۸
- [۱۸۶] صحیفه‌ی امام، ۱۳۸/۸
- [۱۸۷] جمهوری اسلامی، ش ۱۱۳، ۸؛ همان، ش ۱۸۲، ۱۰؛ همان، ش ۱۹۲، ۱۰
- [۱۸۸] مجموعه مصاحبه‌های... در سال ۱۳۶۰، ۱۱۲-۱۱۴
- [۱۸۹] صحیفه‌ی امام، ۳۲۰/۱۰
- [۱۹۰] کیهان، ش ۱۱۲۲۲، ۴
- [۱۹۱] جمهوری اسلامی، ش ۴۹۸، ۳
- [۱۹۲] کیهان، ش ۱۱۲۱۸، ۱۲؛ جمهوری اسلامی، ش ۴۹۷، ۳
- [۱۹۳] در مکتب جمعه....، ۱۱۸-۱۱۴/۳
- [۱۹۴] زندگینامه‌ی مقام معظم رهبری، چ ۴، ۱۶۶-۱۷۲
- [۱۹۵] مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره‌ی اول، جلسه‌ی ۱۶۷
- [۱۹۶] مصاحبه‌ها، ۱۳۶۴-۱۳۶۳، ۱۱۴-۱۱۶
- [۱۹۷] خلاصه‌ی مذاکرات شورای انقلاب، جلسه‌های متعدد.
- [۱۹۸] انقلاب در بحران، ۱۷۶
- [۱۹۹] صحیفه‌ی امام، ۵۰۴/۱۴
- [۲۰۰] جرعه‌نوش کوثر، ۲۱۸-۲۱۷
- [۲۰۱] مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره‌ی اول، جلسه‌ی ۱۹۹



[۲۰۲] فارسی، ۵۴۳-۵۴۴

[۲۰۳] همان، ش ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰ و ۶۷۱، صص ۱ و ۱۱

[۲۰۴] همان، ش ۶۷۸، ۱۱

[۲۰۵] صحیفه‌ی امام، ۲۷۸/۱۵

[۲۰۶] مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره‌ی اول، جلسه‌ی ۲۲۴

[۲۰۷] همان، جلسه ۲۲۶

[۲۰۸] همان، جلسه ۲۲۷

[۲۰۹] دولتهای ایران، ۴۶۱، ۴۶۷، ۴۷۲، ۴۸۲

[۲۱۰] مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره‌ی اول، جلسه‌ی ۲۲۹

[۲۱۱] همان، جلسه ۲۳۰

[۲۱۲] «خاطرات ۳ رئیس‌جمهور»، ۷

[۲۱۳] مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره‌ی دوم، جلسه‌ی ۲۶۸

[۲۱۴] حاج سیدجوادی، ۱۰۳-۱۰۴

[۲۱۵] جمهوری اسلامی، ش ۱۷۹۹، ۱۰-۱۱

[۲۱۶] نوازی، ۲۹۸/۱، ۳۰۰، ۳۳۹ و ۳۹۲

[۲۱۷] علی بابایی، ۱۳۰/۶

[۲۱۸] هاشمی رفسنجانی، امید و دلواپسی، ۲۲-۲۳؛ جرعه‌نوش کوثر، ۲۳۷

[۲۱۹] هاشمی رفسنجانی، امید و دلواپسی، ۲۲-۲۳

[۲۲۰] صحیفه‌ی امام، ۸۳/۱۸-۸۴

[۲۲۱] همان، ۱۱۰/۱۹-۱۱۱

[۲۲۲] بیست سال تلاش، ۷-۸

[۲۲۳] همان، ۱۴۸/۲۱ و ۳۴۳؛ ۱۷۱/۱۹ و ۳۱۶؛ نک : بیست سال تلاش، بیشتر صفحات.

[۲۲۴] آرشیو مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، پرونده‌های دوره‌ی ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای



[۲۲۵] جمهوری اسلامی، ش ۱۹۲۱، ۱۲

[۲۲۶] جمهوری اسلامی، ۲۸۲۶، ۱۲، همان، ۲۸۲۷، ۱۱

[۲۲۷] جمهوری اسلامی، ش ۲۸۸۶، ۱۲؛ همان، ۲۸۸۹، ۲

[۲۲۸] جمهوری اسلامی، ش ۲۴۱۳، ۱۰

[۲۲۹] صحیفه‌ی امام، ۴۵۲/۲۰، ۴۵۵

[۲۳۰] صحیفه‌ی امام، ۴۶۳/۲۰ - ۴۶۵

[۲۳۱] گفت‌وگو با هاشمی رفسنجانی، ۵۲

[۲۳۲] همان، ۶۸-۶۹

[۲۳۳] صحیفه‌ی امام، ۳۹۷/۱۷

[۲۳۴] همان، ۱۸۸/۱۸

[۲۳۵] همان، ۲۲۸/۱۸

[۲۳۶] همان، ۲۷۲/۱۸

[۲۳۷] همان، ۲۵۸/۲۱

[۲۳۸] همان، ۲۶۴/۲۱

[۲۳۹] همان، ۳۱۵/۲۱

[۲۴۰] همان، ۳۶۳/۲۱ - ۳۶۴

[۲۴۱] صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ۱/۱ - ۲۹

[۲۴۲] همان، ج ۱-۴، بیشتر صفحات

[۲۴۳] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۹۲

[۲۴۴] «چگونگی انتخاب رهبر در اجلاس فوق‌العاده مجلس خبرگان»، ۱۸؛ هاشمی رفسنجانی، بازسازی

و سازندگی، ۱۴۹. ۱۵۱

[۲۴۵] حدیث ولایت، ۱۸۲/۱ - ۱۸۳

[۲۴۶] صحیفه‌ی امام، ۵۰۴/۱۴



[۲۴۷] صحیفه‌ی امام، ۱۲۷/۲۰

[۲۴۸] صحیفه‌ی امام، ۴۵۵/۲۰

[۲۴۹] جرعه‌نوش کوثر، ۲۶۵

[۲۵۰] جمهوری اسلامی، ش ۵۳۵۲، ۲ آذر ۱۳۷۶، ۲

[۲۵۱] مرجعیت آیت‌الله خامنه‌ای از دیدگاه فقهاء و بزرگان، ۷۰

[۲۵۲] جمهوری اسلامی، ش ۲۹۰۵، ۲۰ خرداد ۱۳۶۸، ۱۴-۱۵

[۲۵۳] جمهوری اسلامی، ش ۲۸۵۲، ۹ فروردین ۱۳۶۸

[۲۵۴] حدیث ولایت، ۱/۱ اکثر صفحات

[۲۵۵] جمهوری اسلامی، ش ۲۹۲۴، ۱۶ خرداد ۱۳۶۸، ۳

[۲۵۶] کیهان، ش ۱۳۶۳۱، ۱۸ خرداد ۱۳۶۸

[۲۵۷] جمهوری اسلامی، ش ۲۹۲۹، ۱۹ تیر ۱۳۶۸

[۲۵۸] جمهوری اسلامی، ش ۲۹۷۲، ۱۲ شهریور ۱۳۶۸

[۲۵۹] جمهوری اسلامی، ش ۲۹۷۹، ۲۰ شهریور ۱۳۶۸

[۲۶۰] حدیث ولایت، ۳/۱-۵، ۹۵/۱ و همان، ۳۱۴/۱



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی



Tablighnews.Dte.ir

